

سخنان رئیس جمهور و

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه
در کردستان

آنچه که در هفته گذشته جناحها و جریان های مختلف درون حاکمیت در باره بحران کردستان بر زبان راندند، مدو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد.

هر صفحه ۲

اعدام پرسنل انقلابی ارتش

به جرم این اعتقاد که:

” باید بدانند ماشه را به خاطر چه
و به سوی چه کسانی می چکانند! “

از آغاز جنگ خونین اخیر در کردستان، ارتش دچار تب و تاب و جوش کم سابقه است سربازان، درجه داران و افسران جزا انقلابی که حاضر نیستند به هیچ قیمت دست خود را به خون زحمتکشان میهنشان بیالایند، پادگانها را به عرصه فعالیت ترقیخواهانه و افشاگرانه خود بدل

بقیه در صفحه ۱۶

برای مقابله با امپریالیسم امریکا
اتحاد همه زحمتکشان
یک ضرورت تاریخی است

امروز میهن ما یکی از پراهمیت ترین سنگرهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی است. مبارزه شورانگیز مردم ما تاکنون به پیروزی های چشمگیری دست یافته است. این مبارزه اینک از مرزهای ایران گذشته و در ابعاد جهانی توجه صدها میلیون زحمتکش در بند جهان سرمایه داری و توجه همه نیروهای مترقی جهان را به خود جلب کرده است. این مبارزه امروز تاروپود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا را به لوزه در آورده است. پیروزی یا شکست مبارزات مردم ما تأثیری عظیم بر مبارزه پرولتاریای جهانی، خلق های زیر سلطه جهان و کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم جهانی و دولت های دست نشانده آن دارد و هم از این رو است که زحمتکشان جهان، احزاب و سازمان های ترقیخواه جهان و اردوگاه سوسیالیستی از جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما بی دریغ و قاطعانه حمایت می کنند و عمیقاً نگران سرنوشت آن هستند و باز از همین رو است که همه دولت های امپریالیستی و رژیم های ارتجاعی و دست نشانده جهان در پشت سر امپریالیسم امریکا و علیه مردم ما صف آرای گردمانند.

وقتی به اهمیت این مبارزه سرنوشت ساز، به پیوند عمیق آن با مبارزه پرولتاریای جهانی و نیروهای ترقیخواه علیه سرمایه داری جهانی و به تأثیری که هرگام از پیروزی و یا شکست آن بر سرنوشت صدها میلیون زحمتکش ایران و جهان دارد بیاندیشیم، بیش از پیش به اهمیت سیاست های درست و حرکات و موضعگیری های اصولی نیروهای ترقیخواه میهنمان بی می بریم و بیش از پیش، درمی یابیم که هراشتباه نیروهای ترقیخواه سیاسی که بر پیکر این جنبش خراش وارد می کند، چه ابعاد خیانت آمیزی به خود می گیرد و بر عکس هر تلاشی که این جنبش را گامی به جلو راند و این سنگر مبارزه را متحد و استوارتر سازد چه خدمتی عظیم در راه آرمان پرولتاریای ایران و جهان و خلق های ستمدیده ایران و جهان به حساب می آید. وقتی عمیقاً به این واقعیت ها توجه می کنیم سنگینی، حساسیت و عظمت مسئولیتی که تاریخ بر دوش فرد عناصر آگاه و مبارز جنبش کمونیستی ایران گذاشته است، بقیه در صفحه ۲

نودمین سالگرد تولد رفیق هوشی مین گرامی باد!



مرگ برتر از بردگی است
در سراسر وطنم
بار دیگر پرچم های سرخ در اهتزازند
و درست در این لحظه
باید در درون زندان به سر برم
گی از زندان رها خواهم شد
تا نقش خود را در جنگ برعهده گیرم
از یادداشت های زندان -
رفیق هوشی مین

نودمین زادروز رفیق هوشی مین رهبر کبیر خلق ویتنام، انترناسیونالیست و میهن پرست انقلابی گرامی باد. یاد رفیق هو و مبارزاتش همواره الهام بخش مبارزات طبقه کارگر و خلق های سراسر جهان خواهد بود.

در این شماره:

یادداشتی از سفر بورژوازی کردستان
• مردم نگران مرکز بودند، خبر تأثیرات "۱۳۷۴" برای همه مظلوم کرد
• چنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق لوده نخواهند داشت.
• آنچه شوراهای واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است
کارگران باید با افزایش تولید و بهره وری کار، مانع تبلیغات تفاق افکنانه دشمنان خود شوند
• گزارش از اراک:
مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

چه کسانی
به جای صلح، جنگ را دامن می زنند؟
یازدهمین اجلاس
"اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"
با موفقیت به کار خود پایان داد
گرایشات آنارشویستی
و سندیکالیستی پیکار

نقش اوپک در مبارزه
علیه امپریالیسم!

اخیرا کنفرانس اوپک در طائف یکی از شهرهای عربستان سعودی برگزار شد. عربستان سعودی با جمعیتی نزدیک به ۹ میلیون نفر بزرگترین صادر کننده نفت در کشورهای عضو اوپک است. کشورهای امپریالیستی با همکاری رژیم حاکم بر

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

سخنان و قیاس جمهور و

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه در کردستان

امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تا چه اندازه برای پیشرفت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه جنگ تهمیلی را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تا چه اندازه برای پیشرفت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه جنگ تهمیلی را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال

این حقیقت که بحران کردستان با راه حل های نظامی نمی تواند خاتمه یابد در عین حال از آموزش های بزرگ تاریخی نیز ناشی می شود. خلق کرد امروز متشکل و سازمان یافته است و بر حقوقی که سالهای متمادی برای آن مبارزه کرده است آگاهی و ایمان کامل دارد.

جناحها و جریان های مختلف درون حاکمیت درباره بحران کردستان بر زبان رانندند و نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد. در کنار نیروهای که آشکارا از جنگ و ادامه جنگ در کردستان سخن گفتند، رئیس جمهور، ضمن تأکیدهایی که بر اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی و مقابله با کسانی که این حاکمیت را زیر علامت سؤال قرار داده اند، از امکان تحقق صلح آمیز مطالبات خلق کرد و ضرورت کوشش برای پایان دادن به جنگ کردستان سخن گفت و تأکید کرد که امکان حل صلح آمیز بحران کردستان وجود دارد و باید از چنین امکانی بیشترین بهره گیری را کرد. رئیس جمهور با انتخاب داریوش فروهر برای مذاکرات صلح کردستان کام عملی مثبتی به جلو برداشت. این بخش از مواضع رئیس جمهور از جانب همه آن کسانی که قادرند بحران کردستان را در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا مورد بررسی قرار دهند نمی تواند مورد استقبال قرار نگردد.

برای مقابله با امپریالیسم

امروز از سوی مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا در ابعاد وسیع جریان دارد و خلق ما در این مبارزه دشوار از حمایت همه نیروهای ترقیخواه جهان برخوردار است و از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا با تکمیل بر طبقه سرمایه دار ایران و به کمک انبانی خود و شبکه های جاسوسی خویش که حتی امکان تقویت کرده است همه نیرو و تجربه خویش را برای دلسرد کردن و سرخورده ساختن زحمتکشان ما از مبارزه، جلوگیری از اتحاد عمل اقشار و طبقات خلق ما، ایجاد جو بدبینی و خشونت میان مردم و مانع از اتحاد عمل و هماهنگی نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست و خلاصه به هدر رفتن انرژی انقلابی میلیون ها زحمتکش به پا خاسته ایران به کار گرفته است.

دست نشانده خود را در ایران بر سر کار آورده و بدین ترتیب جنبش ضد امپریالیستی خلق های مظلوم را با خطر جدی روبرو ساخته و سرکوب کند. با این چشم انداز است که اوضاع و شرایط کنونی میهنمان را بسیار حساس می بینیم. روزهای سرنوشت ساز در پیش داریم. روزهایی که هر نیروی ترقیخواه و ضد امپریالیست و هر کس که قلبش برای استقلال و آزادی ایران می تپد باید با احساس مسئولیت کامل و به دور از هرگونه ناشکیبائی و داوری های عجولانه به استقبال آن برود و اگر نه می تواند اشتباهاتی مرتکب شود که تاریخ از آن به عنوان خیانت یاد خواهد کرد. با این چشم انداز می بینیم که بیش از هر زمان دیگر باید همه سلاحها و قلمها به سوی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن نشانه رود و باید کاری کنیم که چنین

دست نشانده خود را در ایران بر سر کار آورده و بدین ترتیب جنبش ضد امپریالیستی خلق های مظلوم را با خطر جدی روبرو ساخته و سرکوب کند. با این چشم انداز است که اوضاع و شرایط کنونی میهنمان را بسیار حساس می بینیم. روزهای سرنوشت ساز در پیش داریم. روزهایی که هر نیروی ترقیخواه و ضد امپریالیست و هر کس که قلبش برای استقلال و آزادی ایران می تپد باید با احساس مسئولیت کامل و به دور از هرگونه ناشکیبائی و داوری های عجولانه به استقبال آن برود و اگر نه می تواند اشتباهاتی مرتکب شود که تاریخ از آن به عنوان خیانت یاد خواهد کرد. با این چشم انداز می بینیم که بیش از هر زمان دیگر باید همه سلاحها و قلمها به سوی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن نشانه رود و باید کاری کنیم که چنین

امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی آن بیش از هر زمان دیگر بر آن شده اند که به هر قیمتی شده مبارزه طبقاتی مردم ما را علیه امپریالیسم به مبارزه میان صفوف مردم بدل کنند و با ایجاد و دامن زدن به جنگ برادرکشی و وحدت خلقها و زحمتکشان ایران را خدشه دار سازند. امپریالیسم جهانی می گوید مبارزه مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری و مبارزه دهقانان زحمتکش را علیه زمینداری بزرگ به مبارزه میان خلقها، مبارزه میان نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست مبدل سازد و تا آنجا که می تواند در صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست شکاف ایجاد کند. و این در حالی است که محافل جنگ افروز و سرکوبگر درون هیئت حاکمه که فاقد هرگونه تجربه سیاسی بوده و بخاطر اعمال و حرکات ضد دمکراتیک و خشونت بار خود تاکنون میلیون ها تن از مردمی را که در جریان سرنوشتی شاه فعالانه در مبارزه شرکت داشتند منفل ساخته و یا به طرفداری از جبهه لیبرالها واداشته است، هنوز به اعمال جنگ افروزان و ضد دمکراتیک خود ادامه می دهند و درست در برابر این محافل جریانات انحراف به چپ جنبش کمونیستی و لیبرالها روز بروز بیشتر به اعمال آتارشیستی و شعارهای سرنوشتی کشنده می شوند و ناگفته پیداست که این دو پیوسته بر هم تاثیر می گذارند و هر یک زمینه و بستر حرکات مخرب دیگری را فراهم می کند و اگر وضع بدین منوال پیش رود صفوف ضد امپریالیستی توده ها چنان تضعیف می شود و تشنج و درگیری و خشونت میان مردم چنان بالایی گیرد که نتیجه اجتناب ناپذیر آن قدرت گرفتن جبهه ضد انقلاب و به قدرت رسیدن حکومت دست نشانده امپریالیسم آمریکاست.

ما رئیس جمهور را به این واقعبیت توجه می دهیم که تلاش برای سرکوب نظامی خلق کرد و سازمان های سیاسی رهبری کننده آن چیزی جز آسیب رساندن جدی به هدفها و آرمان های مردم ما نیست و فکر می کنیم که رئیس جمهور به آن اندازه از تجربه و آگاهی سیاسی و تاریخی برخوردار است که این را درک کند که بحران کردستان به هیچ رو از راه نظامی حل نخواهد شد بلکه اقدامات نظامی صرفا به گسترش جنگ برادر کشی دامن خواهد زد و ابعادی فاجعه آمیزتر از پیش

رئیس جمهور بازم حاضر نشد عاملین فاجعه

با اینکه آقای رئیس جمهور در مناظره تلویزیونی به مردم قول داده بود جنایتکارانی که رهبران خلق ترکمن را در زندان جمهوری اسلامی به شهادت رسانده اند معرفی و مجازات کند، اما تا کنون هیچ گامی در این جهت برنداشته است. اخیرا رئیس جمهور در روزنامه انقلاب اسلامی چنین نوشته است: ... روش رئیس جمهوری بر قاطعیت است ... استوار ایستاده است تا حاکمیت دولت (بغض از بنی صدر) در همه جا برقرار شود. هیچ چیز از یاد نمی برد. همانطور که در برابر این گروهها می ایستد، در برابر کسانی هم که خود را هوادار جمهوری اسلامی می دانند اما خود سری می کنند، می ایستد. به این گروه نیز هشدار می دهد که هنوز از یاد نبرده است که ۴ نفر در گنبد بدون آنکه سزاگانه بشوند، از بین برده شدند و هروقت باشد عاملان این کار را ... (انقلاب اسلامی - ۲۳ اردیبهشت) ما باز دیگر تأکید می کنیم که بدون معرفی و مجازات این جنایتکاران، این فجاجع بازم اتفاق خواهد افتاد. آقای رئیس جمهور اگر واقعا خواستار آزادی، امنیت، سیاسی و مانع از اعمال جنایتکارانه باند های سپاه است، باید عاملین این جنایات را که برای رئیس جمهور کاملا شناخته شده هستند، به مردم ایران معرفی کند.

بر این اساس ما مصممیم که بیش از پیش برای استقرار صلح در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم و از تلاشهای صلح طلبانه ای که در برخی محافل حکومت دیده می شود استقبال می کنیم. ما موظفیم عناصر جنگ افروز را چه محافل جنگ افروز حکومت و چه آنها که با چپ رویها و حرکات آتارشیستی خود بزرگترین خیانتها را به جنبش ضد امپریالیستی خلق ما روا می دارند و زمینه رشد گرایش ضد دمکراتیک و جنگ افروزان جناحهایی از حکومت را فراهم می کنند و بدینسان جنگ ضد امپریالیستی مردم را به جنگ میان مردم تبدیل می کنند، افشا کنیم. ما مصممیم با توجه به مسئولیت عظیم سازمان با حرکات آتارشیستی و شعارهای سرنوشتی به ویژه حرکات چپ روانه ای که توسط آتارشیستها در میان طبقه کارگر میهن ما دامن زدن، مرشود به گونه ای همجانبه مبارزه کنیم. ما باید کاری کنیم که جنایتکارانی که دستور کشتار دانشجویان زندانی را می دهند و باند های سپاه را رهبری می کنند و می خواهند جنگ داخلی را ببندازند، بتوانند مبارزات درخشان خلق ما را به انحراف کشند و بیکتاز میدان قدرت باشند و نه نیروها و عناصری که با حرکات چپ روانه خود عملا در کنار امپریالیسم قرار گرفته و بزرگترین ضربات را به جنبش میهن ما وارد می سازند، بتوانند جنبش را به انحراف کشند، امروز وظیفه تک تک اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که در این راه بکوشند و با قاطعیت و ایمانی استوار به میان مردم بروند و آنان را از حقایق آگاه سازند و طریق درستی را که باید در پیش گیریم، تبلیغ و ترویج نمایند.

به جرم داشتن عقاید سیاسی معلمان را اخراج می‌کنند!

اخیرا در وزارت آموزش و پرورش، برای سرکوب آزادی اندیشه و عقاید سیاسی به اخراج معلمان و دبیران آموزش و پرورش دست می‌زنند. این شیوه سرکوب که نشانه ورشکستگی ایدئولوژیک و اخلاقی طراحان آن است، بدون تردید با اعتراضات و سیع مردم، معلمان و دانش آموزان روبرو خواهد شد و شکست و رسوائی حتمی طراحان آن را به دنبال خواهد داشت در زیر نامه یکی از دبیران آموزش و پرورش را به وزیر آموزش و پرورش که در اعتراض به اخراج خود نوشته است، می‌خوانید

۳- مگر در دوران انقلاب می‌توان هنوز به سبک و سیاق "ساواک" در ادارات و مدارس تفتیش عقاید کرد؟ آیا این مخالف نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی نمی‌باشد؟ چگونه می‌شود هنوز در اطاق‌های در بسته با ۳ نفر جلسه گرفت و به نام کمیته پاکسازی؟ انقلابی‌ترین و مبارزترین معلمان را اخراج تهدید و اخطار داد؟ آیا نباید ماهیت اعضای کمیته به اصطلاح پاکسازی برای مردم، معلمان و کارمندان، دانش آموزان مشخص گردد؟ آیا امکان ندارد وابستگی رژیم شاه و رستاخیزی‌های دوران سیاه دیکتاتوری در راس چنین کمیته‌هایی قرار گرفته باشند؟

۴- راستی در جمهوری اسلامی هر معلمی که بر علیه ساواکی‌ها - طاغوتی‌ها و فتوادل‌ها افشاکری کرد و مبارزه نمود باید به دست شما تصفیه گردند؟ پس چه فرق است بین شماها و حکومتگران قبلی که معلمان مبارز را از کار برکنار می‌کردند و به

جناب آقای رجائی وزیر آموزش و پرورش ایران
احتراما، در تاریخ دوم اردیبهشت ماه جاری از طرف اداره کل آموزش عشایرنامه‌ای کوتاه با امضای آقای مومنی مدیر کل آموزش عشایر به دستم رسید که مضمونش چنین است "آقای اشکیوس طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران طبق دستور تلفنی آقای کتیرائی معاون وزارت آموزش و پرورش از این تاریخ هیچ سمتی در آموزش و پرورش ندارید. ۱۳۵۹؟ خیلی جالب و بحث‌انگیز است! برای هر انسانی این سؤال مطرح می‌شود:
۱- مگر کارمندان و فرهنگیان آموزش و پرورش تلفنی استخدام شده‌اند که باید تلفنی برکنار شوند؟
۲- مگر می‌شود در جمهوری اسلامی که خودش را طرفدار قانون الهی و انسانی می‌داند بدون محاکمه، بدون دلیل، به صورت شاهنشاهی کارمندان را و معلمان را عزل و نصب کرد؟

زندانی می‌انداختند و شکنجه می‌کردند؟
۵- من ۱۷ سال در بدترین شرایط در ایلات و روستاهای فارس معلم بوده‌ام بر علیه رژیم شاهنشاهی جنگیده‌ام - زندان رفته‌ام شکنجه شده‌ام و اکنون هم با عوامل خان و عوامل ساواک در سئیزه‌ام. آیا شما چنین افرادی را نمی‌توانید تحمل کنید؟ من چنین نامه‌ای خصوصت‌آمیز را توهین به مقام معلم می‌دانم و علیه مومنی مدیر کل آموزش عشایر و کتیرائی معاون وزارت خانه اعلام جرم می‌کنم وزارت آموزش و پرورش و سایر مسئولین قضائی موظفند در قبال این مسئله پاسخگوی تصمیمات خود در برابر مردم عشایر - فرهنگیان و دانش آموزان و دانشجویان باشند.

رونوشت به نشریه "کار"
بسمه تعالی
آقای اشکیوس طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران اداره کل آموزش عشایر! به موجب دستور تلفنی بامداد روز ۳۰ فروردین ۵۹ جناب آقای کتیرائی معاونت محترم وزارت آموزش و پرورش هیچگونه سمتی در وزارت آموزش و پرورش ندارید.
خلیل مومنی
مدیرکل آموزش عشایر

نقش اوپک در مبارزه با...

بقیة صفحه ۱

می‌توان در تصمیم‌گیری کشورهای اروپای غربی و ژاپن در مورد تحریم اقتصادی ایران و یا تحریم مبادلات تجاری با شوروی به خوبی مشاهده نمود.
در کنفرانس اخیر اوپک در طائف جناح مترقی و ضد امپریالیست توانست تا حدودی نظریات خود را پیش برد و برای بررسی همه‌جانبه‌تر مسائل نفت پیشنهاد شد که وزیران خارجه کشورهای امپریالیستی و نفت و دارائی کشورهای اوپک برای بررسی روابط "کشورهای تولیدکننده نفت" و "مصرف کنندگان عمده صنعتی" کنفرانسی تشکیل دهند. همچنین تصویب شد که برای قیمت گذاری نفت خام اوپک با توجه به تورم و تغییر ارزشها و میزان رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی سیستمی تعیین شود یکی از مهمترین تصمیمات کنفرانس اوپک در طائف چنین بود که هیچ یک از کشورهای عضو اوپک میزان تولید خود را برای جبران کاهش تولید نفت ایران افزایش ندهند.

تصمیم دیگر اوپک به نقل از مصاحبه معین فر وزیر نفت (اطلاعات ۲۰ اردیبهشت ۵۹) در مورد پیوند دادن قیمت گاز صادراتی کشورهای عضو اوپک با بهای نفت خام بود. طبق این تصمیم افزایش آتی قیمت گاز تابع افزایش قیمت نفت می‌گردد. کنفرانس مشترک ایران - الجزایر - لیبی برای ایجاد جبهه مشترک در سیاست‌های صادراتی نفت در تضعیف کشورهای نظیر عربستان سعودی بی تاثیر نبوده است و اقدامی در جهت مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اتحاد عمل این کشورها در کام‌های نخست خود سبب افزایش قیمت گاز صادراتی الجزایر شد. این اتحاد عمل در کنفرانس طائف اثرات خود را در افزایش قیمت‌های نفت و گاز و کاهش تولید و صادرات نفت خام برجای گذاشت. و همچنین کوششی در جهت قیمت‌گذاری واقعی نفت بود.

عربستان سعودی روزانه نزدیک به ۹/۵ میلیون بشکه نفت خام مردم عربستان را چپاول می‌کنند و اکثریت مردم عربستان در ابتدائی‌ترین شرایط زندگی به سر می‌برند. سیاست نفتی رژیم حاکم بر عربستان سعودی به عنوان اهرمی علیه کشورهای مترقی و ضد امپریالیست عضو اوپک بکار می‌رود. رژیم حاکم بر عربستان سعودی سیاست دیگته شده توسط انحصارات امپریالیستی را مو به مو اجرا می‌کنند. نقش دولت عربستان و دیگر رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم در اوپک، در شرایط کنونی که امپریالیسم جهانی با بحران انرژی و مشکلات اقتصادی دست به گریبان است، بیش از هر زمان متوجه سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اکنون کمبود و گرانی منابع انرژی و به ویژه نفت به شکل حادی بروز کرده است و مستقیماً در مجموع سیستم تولیدی امپریالیسم تاثیر می‌گذارد و در جهت تشدید بحران کشورهای امپریالیستی عمل می‌کند.

مبارزه ضد امپریالیستی رو به گسترش خلق‌های سراسر جهان مواضع کشورهای مترقی و ضد امپریالیست در اوپک را تقویت نموده و اکنون جناح نیرومندی را در اوپک تشکیل داده است. تا جایی که دیگر سیاست انحصارات امپریالیستی که از طریق کشورهای نظیر عربستان سعودی بر اوپک اعمال می‌شد نمی‌تواند بطور یکجانبه به پیش رود.
وابستگی مطلق کشورهای امپریالیستی به ویژه اروپای غربی و ژاپن به نفت صادراتی کشورهای اوپک و رشد مبارزه ضد امپریالیستی در کشورهای عضو اوپک، که در کاهش تولید و افزایش قیمت نفت صادراتی خود را نشان می‌دهد بحران انرژی را عمیق‌تر کرده است. بحران انرژی در شرایط کنونی بیش از هر زمانی سبب تشدید تضادهای کشورهای امپریالیستی شده است. و ایجاد این تضاد را

تجاوز به حقوق دهقانان زحمتکش «پیرلوانگوت»

اردبیل

لیکن هیچ نتیجه‌ای از این شکایات عایدشان نشده است. مسئولین زاندارمری و پاسداران منطقه از همان ابتدا جانب غاصبین زمین را گرفته‌اند و به شکایات روستائیان هیچ ترتیب اثری نداده‌اند.

روستائیان مرفه این زمینها را غصب کرده و کاشته‌اند. زحمتکشان روستا برای جلوگیری از تجاوزات آنها، تاکنون بارها بطور دسته‌جمعی به "گرمی" و "تازه‌کند" رفته و به زاندارمری و سپاه پاسداران شکایت برده‌اند.

"پیرلو انگوت" از روستاهای شهر اردبیل است در این روستا زمینی بوسعت ۱۲۰۰ هکتار وجود دارد که به تمام روستائیان تعلق داشته و برای چرانیدن گوسفندان بطور جمعی مورد استفاده واقع می‌شده است در چند ماهه اخیر دو تن از

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم جهانی

علیه مردم ما بسیج شده اند.

چندی است که تبلیغات امپریالیستها و دوستان و جاسوسان آن دامنه و وسعت چشمگیری یافته است. اینک دشمنان مردم که منافع خود را در معرض نابودی می بینند سازمان یافته تر و بی پرواتر دست به کار شده اند. رادیوهای تبلیغاتی امپریالیستها و دوستان و جاسوسان آن کوشش می کنند با به راه انداختن تبلیغات پر سر و صدا به اتکای خواستهای برآورد نشده مردم و با بهره گیری از ناراضیتهای و عصیانهای در حال گسترش آنان نیت پلید خود را پیش برند. سیاست تبلیغاتی آنان هدفهای زیر را دنبال می کند.

- ۱- با پخش اخبار و مطالب نادرست سعی دارد تا جهت و سمت مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنان را از سمت اصلی خود منحرف کرده و توده ها را از ادامه مبارزات خویش دلسرد کند.
- ۲- مخدوش کردن مرز میان دوستان واقعی مردم با دوستان و جاسوسان امپریالیسم.
- ۳- ضربه زدن به مبارزات حق طلبانه خلقها و لوث کردن مبارزات برحق آنان، به ویژه لطمه وارد کردن به جنبش مقاومت خلق کرد.
- ۴- کسب حیثیت برای خود از طریق نزدیک جلوه دادن خود به نیروهای انقلابی.
- ۵- اشاعه و رواج فرهنگ مبتذل.
- ۶- سازماندهی و هدایت ایادی امپریالیسم در ایران. با توجه به اهداف این سیاست، افشای نیت پلید امپریالیسم که با کمک دوستان و جاسوسان داخلش تبلیغ می شود، جزء وظایف انقلابی نیروها و سازمانهای ترقیخواه است. وظیفه نیروهای آگاه و انقلابی است که برای مردم نقشه های جدید تبلیغاتی امپریالیسم امریکا و عواملش مانند بختیار را توضیح دهند. و نگذارند امپریالیستها و دوستان و جاسوسان آن مردم ما را بفریبند.

اقدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد که:

باید بدانند ماشه را ... بقیه از صفحه ۱۶

منصور حاج قاسمی همچنانکه اقدامات شبکه های جاسوسی امپریالیسم امریکا وظیفه مبرم کنونی آن است، اقدام ستونبار سوم، منصور حاج قاسمی بدون تردید، به پرسنل انقلابی ارتش نیرو و استواری بیشتری برای پیشبرد ترقیخواهانهاش خواهد داد. ما اقدام ستونبار سوم، منصور حاج قاسمی را شدیداً محکوم می کنیم و به همه مقامات مسئول هشدار می دهیم که این اقدامات به تشدید پراکندگی صفوف مردم و ضدامپریالیست و انقلابی خواهد انجامید و تنها به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا است.

یازدهمین اجلاس

"اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"

باموفقیت به کار خود پایان داد

یازدهمین نشست اعضای اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا، به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون چگونگی برداشت محصول، وظایف و برنامه شوره های دهقانی در فصل درو، و ... در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۵۹ برگزار شد و با اتخاذ تصمیمات مهمی باموفقیت به کار خود پایان داد. شرکت کنندگان در "اجلاس" ابتدا، با اعلام یک دقیقه سکوت، خاطره شهدای به خون خفته خلق، از جمله شهیدان جنگ تحمیلی اخیر ترکمن صحرا را گرامی داشتند. آنگاه یکی از اعضای "اتحادیه"، برگزاری یازدهمین اجلاس آن را شادباش گفت و سخنانی درباره اهمیت شوراها و اتحادیه سراسری بیان داشت و گفت:

"اتحادیه سراسری" که در راه کسب حقوق و دست رفته دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا مبارزه می کند همواره با کینه و دشمنی زمینداران بزرگ روبرو بوده است. این دشمنی برای ما دهقانان و زحمتکشان نشانه حقانیت "اتحادیه سراسری" است. ما تلاش و توطئه های زمینداران بزرگ را برای درهم شکستن "اتحادیه سراسری" خنثی خواهیم کرد و بر آنان پیروز خواهیم شد."

اعضای اتحادیه سپس به بحث و بررسی پیرامون مسائل مختلف پرداختند. برداشت محصول و نقش "اتحادیه سراسری" در این رابطه، جنگ تحمیلی کردستان، حمله به دانشگاهها به بهانه انقلاب فرهنگی، کوشش سراسری برای نابودی شکل های صنفی - سیاسی دانشجویان، شکست تجاوز نظامی امریکا، اهمیت اول ماه مه و نقش طبقه کارگر در

پیروزی مبارزات زحمتکشان روستا، از جمله مسائل مهمی بود که مورد بررسی قرار گرفت. یکی از اعضای "اتحادیه" ضمن سخنرانی در مورد اهمیت سیاسی و اقتصادی برداشت محصول، خاطره نشان ساخت که:

"مسئله درو و برداشت محصول امسال از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا برداشت موفقیت آمیز محصول امسال در واقع نشانه پیروزی روز افزون زحمتکشان ترکمن صحرا در تمامی زمینه ها، از جمله امر تولید است."

او سپس در رابطه با چگونگی تقسیم کار به هنگام برداشت، حفاظت از محصولات درو شده، جلوگیری از اقدامات خرابکارانه سرمایه داران و زمینداران بزرگ سخن گفت و یادآوری کرد که حفظ محصول و کوشش در افزایش تولید گندم و جلوگیری از ضایعات در جهت مبارزه با امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن است. ما باید برای مقابله با محاصره اقتصادی امریکا، گندم بیشتری برداشت نماییم.

شرکت کنندگان در "اجلاس" پس از این سخنرانی، در مورد کارشنکی عناصر ضد خلقی در امر برداشت محصول و حمایت پاره ای از مقامات مسئول از زمینداران بزرگ به مذاکره پرداختند و به این نتیجه رسیدند که:

تحمیل شد. مسئله زحمتکشان غیر ترکمن (سیستانی ها) نیز از جمله مسائلی بود که در "اجلاس" به بحث گذاشته شد. اعضای اتحادیه متفقاً برهمبستگی مبارزاتی همه خلقها تاکید کرده و ضرورت تقویت هر چه بیشتر زمینه های وحدت "سیستانی ها" و "ترکمن ها" را که همه توسط یک دشمن مشترک یعنی طبقه سرمایه دار و زمینداران بزرگ، استثمار می شوند، یادآور شدند. در این رابطه تصمیم بر آن شد که به منظور افشای سیاستهای ارتجاعی دولت و فئودالها برای ایجاد درگیری بین زحمتکشان ترکمن و "سیستانی" از تجربه تشکیل "شورای مرکزی" مرکب از نمایندگان شوراها، همه ملیتها اعم از ترکمن و غیر ترکمن استفاده شود.

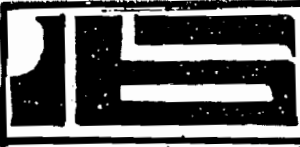
در پایان نشست، از آنجا که هنوز مسائل مهمی وجود داشت که می بایست در موردشان تصمیم گیری شود قرار شد کنگره شوراها هرچه زودتر برگزار شود.

برگزاری موفقیت آمیز اجلاس "اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا" نشانه رشد و گسترش مبارزات عادلانه خلق ترکمن و پیروزی جدیدی در راه تأمین "صلح زمین و آزادی" برای زحمتکشان است.

جانبازیهای زحمتکشان ترکمن صحرا و موفقیت روز افزون روشنفکران انقلابی آن در راه آگاه نمودن و تشکل توده ها بدون تردید دستاوردها و تجربیات گرانبهایی برای دهقانان سراسر ایران دربر خواهد داشت.

سازمان ما، پیروزی نوین خلق ترکمن را با گرم ترین درودها، به دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا و اتحادیه سراسری شوراها، خلق ترکمن، شادباش می گوید.

میین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



گزارشی از اراک :

مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

از روزهای قیام تا انتخابات ریاست جمهوری، اعتماد توده‌ها به مسئولین حکومتی، یک سیر نزولی مشخصی را پیموده است. در این میان "آیت الله خمینی" با موضوع گیری‌های خاص خود همچنان حلقه‌ی اتصالی است بین توده‌ها و حکومت. ایشان در مجموع توانسته‌اند گرایش توده‌ها را به نفع حاکمیت - نسبتا - حفظ نموده و در توقعات و انتظارات رفاهی توده‌ها - به نوعی - تعدیل ایجاد نمایند. در واقع این حلقه‌ی اتصال توانسته است تا حدودی سیاست "صبر و انتظار" را جایگزین اعتراضات مردم نماید. لیکن این نگرش به هیچ وجه نباید تبیین این گرایش باشد که پس توده‌ها خواست‌های رفاهی خود را - در این مدت - رها کرده‌اند.

واقعیات نشان می‌دهد که اعتراضات اقتصادی - سیاسی نوین توده‌ها - از روزهای بعد از قیام تا امروز - تکامل جینی خود را طی کرده و می‌رود که با جلوه‌های جدیدی از حیات، مراحل بعدی خود را آغاز نماید. بی‌توجهی به این مسأله برای جنبش کمونیستی ایران خطری جدی در بر خواهد داشت.

ارزیابی نقطه‌نظر توده‌ها به روشنی نشان می‌دهد که دیگر سیاست "صبر و انتظار" بطور محسوس جای خود را به "بیان آشکار خواست‌ها" داده است. مثلا با هرکس صحبت کنی، گرانی را به عنوان یک امر واقع و پدیده‌ای غیرقابل انکار می‌پذیرد.

متعصب‌ترین افراد مذهبی نیز که باور داشتند "برای نان و خربزه انقلاب نکرده بودند" اکنون از گرانی دل خونی دارند و مانند همه زحمتکشان کلافه شده‌اند. اقشار میانی نیز در نهایت، ناراضی هستند و حتی لایم‌هایی از گروه‌های مرفه مردم نیز، "گرانی" را انکار نمی‌کنند.

از بین ۲۷۰ نفر از طبقات و اقشار مختلف که مورد ارزیابی قرار گرفته، تنها ۱ نفر آدم خیلی مرفه آنهم در برخوردی کاملا سطحی و گذرا گفته:

"هیچ چیز گران نیست. می‌شود به جزات گفت."

مشکل "گرانی" به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار صد درصد در بین تمامی طبقات و اقشار مردم این شهر به صورتی حاد مطرح است و دیگر جای تردید و بحث باقی نگذاشته است. در نتیجه تنها نکته‌ای که این گزارش - در حد توان خود - بدان توجه نموده است، نوع برخورد‌ها و عکس‌العمل‌هایی است که مردم نسبت به پدیده‌ی "گرانی" از خود نشان داده‌اند.

۱- اقشار تحتانی کارگران و سایر زحمتکشان شهروروستا: در حدود ۶۰ درصد از افرادی که در این بخش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، از گرانی و کمبود مواد اولیه زندگی کاملا "کلافه" به نظر می‌رسند. ۴۰ درصد بقیه نیز به شدت اظهار ناراضگی کرده‌اند. گاهی اعتراضات شکل "ضجه" به خود گرفته است: "پدرمون درآمده"، "ای آقا، باید سرمونوبذاریم و بمیریم"، "می‌سوزیم و می‌سوزیم" و ...

نکته‌ای که در این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شناختی است که توده‌ها نسبت به کشف ریشه‌های اصلی "گرانی" پیدا کرده‌اند. عموماً می‌گویند "علت همه این گرانی‌ها سرمایه‌داران و امریکایی‌ها هستند".

یک موج مخالفت آشکار علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم در رابطه با فشارهای اقتصادی شکل گرفته است که آهنگ رشدش بسیار تند است در این رابطه آهنگ رشد آگاهی‌های سیاسی - طبقاتی توده‌ها بسیار چشمگیر است. استدلال "دکاندرها" عامل گرانی‌اند" در بین توده‌ها رنگ باخته است. حتی آن‌جائی که از

گزارشی که در زیر می‌خوانید حاصل تحقیق و مطالعه رفقای ما در اراک است. این گزارش با جمع‌بندی نظریات ۲۷۰ نفر از اقشار متفاوت مردم اراک تهیه شده است. ما اقدام رفقا را در تهیه چنین گزارشی ستایش می‌کنیم و خاطر نشان می‌سازیم که تنظیم گزارشات صحیح، عینی و منطبق بر واقعیات، وظیفه‌ای انقلابی است که ما را در شناخت صحیح وضعیت مردم و اتخاذ تاکتیک‌های درست یاری می‌رساند. ما از همه رفقا می‌خواهیم که با تنظیم و ارسال چنین گزارشی نقش فعال‌تری در پیشبرد صحیح وظایف انقلابی بر عهده گیرند.

رفقا! جنبش کمونیستی ایران در شرایط کنونی به شناخت هرچه عینی‌تر از "وضعیت مردم" و "جامعه" نیازمند است و این نیاز را ما موظفیم با گوش پی‌گیر همه رفقا برطرف سازیم.

با پرفروغ‌ترین امیدهای کمونیستی برای شما

"فروشنده‌گان" و "محتکران" صحبت به میان می‌آید بیشتر عمده فروش‌ها و سرمایه‌داران مورد نظرشان است. دیگر به ندرت می‌شود در بین توده‌ها کسی را پیدا کرد که "کمیت‌ها" را عامل گرانی قلمداد کنند. در این بخش تنها ۲ مورد از این نحوه‌ی تفکر دیده شده است.

جملات زیر را توده‌های مردم در گفتگوهای خویش تکرار می‌کنند: "گفتیم بنی‌صدر وضع را درست می‌کند" که "فقط حرف می‌زند، اهل عمل نیست"، "همان وعده و وعیدهای زمان شاه" این دولت هم دولتی نیست که به فکر ما باشد" به جز امام همه‌شون امریکائی‌اند" و ...

شورای انقلاب و بسیاری از لیبرال‌های درون حاکمیت اتوریته‌ی خود را از دست داده‌اند. مخالفت‌های آشکاری نیز با "بازرگان" شروع شده که قبلا به ندرت در بین مردم عادی اراک دیده می‌شد. بطور مشخص او را "سرمایه‌دار" و "سازشکار" می‌نامند.

روستائیان بیشتر با خشم و کینه از "گرانی" و "مسئولین حکومتی" صحبت می‌کنند. در روستاهائی که مساله‌ی ارضی مطرح است، در بین روستائیان که دنبال وام به ادارات کشیده شده‌اند انگیزه‌های تازه‌ای از بی‌اعتمادی به وجود آمده، که نتیجه‌ی سیاست دوپهلویی است که وزارت کشاورزی در برابر مطالبات دهقانان و مساله‌ی زمین اعمال کرده است.

عده‌ای نیز "مردم" را مقصر دانسته‌اند که تعدادشان ناچیز است. این دسته از زحمتکشان می‌گویند:

"بنی صدرتازه روی کار آمده، باید ببینیم چه می‌کند؟"، "دولت باید همه‌چیز را خودش کنترل کند"، "باید از طریق تعاونی‌ها فروش اجناس کنترل شود"، "در اسلام صبر هست باید صبر کرد"، "بنی‌صدر می‌تواند وضع را درست کند"، آخر او نماینده‌ی امام است" و ...

یک نفر نیز گفته است: این گروه‌ها نمی‌گذارند. در مجموع کسانی که نظریاتشان زمینه‌هایی از استدلال‌های فوق را به همراه دارد، کاملا در اقلیت می‌باشند.

۲- لایم‌های میانی کارگران و خرده بورژوازی: اساس تفکر توده‌های این بخش نیز با قسمت اول تفاوت چندانی ندارد. جز آنکه استدلالات آنها - کم و بیش - رنگ و بوئی از تاریخ سیاست و اقتصاد را نیز به همراه دارد. بررسی خواست‌ها و نظریات مردم به وضوح نشان می‌دهد: آنجا که اعتراضات و مبارزات توده‌ها ناشی از یک مشکل مشترک و ملموس‌تری باشد، اقشار و طبقات خلق به هم نزدیک شده و به روشنی می‌شود در بین آنان اعتقادات مشترکی یافت.

کسیه نیز گرانی را از "بالا" دانسته و عامل آن را "سرمایه‌داران" می‌دانند. در استدلال آنان غالبا دو وجه مشخص دیده می‌شود. اول آنکه گرانی را مشخصا به سرمایه‌داران نسبت می‌دهند. دوم آنکه سعی میکنند با این استدلال توجیهی نیز برای گران - فروشی‌های خود پیدا کنند. رویهمرفته کسیه درباره‌ی مشکل گرانی، واقعا با مردم به نوعی اظهار همدردی

می‌کنند. زنان زحمتکش اراک در بیان اعتراضات و نظریاتشان از صراحت بیشتری برخوردار بوده‌اند. به روشنی می‌شود فهمید که زنان "گرسنگی" و "فشارهای اقتصادی" را ملموس‌تر احساس می‌کنند.

۳- مرفه‌ترین خرده‌بورژواهای اراک و سرمایه‌داران: مرفه‌ترین گروه‌ها نیز "گرانی" را به عنوان یک امر واقع پذیرفته‌اند. لیکن بطور مشخص برخوردشان در باره‌ی گرانی با سایر طبقات و اقشار خلق متضاد است. هیچ نقطه‌ی مشترکی بین گفته‌های ایشان و توده‌های مردم وجود ندارد. خط و مرزشان را کاملا رسم کرده‌اند. به راحتی می‌شود فاصله‌ی عمیق بین منافع توده‌ها و منافع اینان را احساس کرد. اگر ناراضی نیز در گفته‌هایشان دیده می‌شود، به علت "کمبود کالا" و "عدم مرغوبیت اجناس" است. گرانی را معلول "حقوق زیاد کارگران"، "قطع رابطه با امریکا"، "تنوع در مراکز تصمیم‌گیری"، "هول زدن مردم" و اینکه "به حق خود راضی نیستند" می‌دانند.

در همه دنیا تورم وجود دارد. اینها همه از عوارض انقلاب است". یعنی که بترسید و دیگر انقلاب نکنید! مردم را نیز حکیمانه به "صبر" دعوت می‌کنند و از آنان می‌خواهند که "خدا را شکر" کنند. به حاکمیت نیز بنا به خواست‌های طبقاتی خود بدبین‌اند. "آخوند بازی است"، "توی پاسداران و جهاد سازندگی، کمونیست‌ها نفوذ کرده‌اند. زمین‌های مردم را می‌گیرند، تقسیم می‌کنند"، "درون هیئت حاکمه عده‌ای طرفدار شوروی هستند" و ...

یادآوری می‌کنیم که این دسته از هر اقدامی که در جهت سرکوب حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی صورت می‌گیرد پشتیبانی می‌کنند و بیشترین نفرت را از "فدائی‌ها" از خود نشان می‌دهند. این دسته در مقابل هرگونه حرکت انقلابی مقاومت و سمپاشی می‌کنند و آماده‌اند که از هرگونه کمکی به "ضد انقلاب" کوتاهی نکنند. آنان بیشترین دشمنی‌ها را با مبارزات کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم از خود بروز می‌دهند.

آنجا که شوراها واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری کار، مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند

باردیگر موجودیت شوراها بطور جدی مورد سؤال قرار گرفته است و این مسئله تازمات نیست. از همان آغاز روی کار آمدن دولت بازرگان مقابل و مبارزه جوشی کینه توزانه علیه شوراها آغاز شد و تلاش‌های فراوانی بعمل آمد تا اینگونه تشکلهای تودم‌های را در نطفه خفه کنند. ولی شوراها، علیرغم همه تلاش‌های سرمایه‌داران و حتی در شرایطی که آزادی‌های سیاسی در مرداد ماه همانند امروز مورد تهاجم و تهدید قرار گرفت، مقاومت کردند. پس از تهاجم به شوراها دهقانی ترکمن صحرا (که دستاورد مبارزاتی انقلاب دهقانان و زحمتکشان خلق ترکمن است) برنامه ریزان یورش به دانشگاهها و کشتار وحشیانه دانشجویان ضمن تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در توده‌های مردم، درست در لحظاتی که خطر تهاجم امریکا یک خطر واقعی است و خاطر مردم ما را به خود مشغول داشته است محیطی مناسب برای بهره برداری و تبلیغات علیه نیروهای انقلابی و تشکلهای تودم‌های یافتنند. بطوری که شوراها، این دستاورد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان باردیگر مورد تهاجم جدی قرار گرفته است. شوراها کارخانه‌ها که در شرایط انقلابی قبل از قیام عمدتاً از دل کمیته‌های اعتصاب و پس از قیام به منظور کنترل و اداره کارخانجات متعلق به سرمایه‌داران وابسته و فراری شکل گرفتند، طی یک سال اخیر نقش قابل ملاحظه‌ای در جهت ارتقاء آگاهی طبقاتی کارگران و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک داشتند. شوراها کارخانه‌ها در بسیاری موارد، حرکات و اقداماتی انقلابی و مترقی بر علیه سرمایه‌داری و قوانین و آئین‌نامه‌های آن انجام

دادند. نقش موثر شوراها در مصادره کارخانجات و اموال متعلق به سرمایه‌داران وابسته به دربار و امپریالیسم و مبارزه پیکر برای دولتی کردن آنها، به راه انداختن واحدهای تولیدی‌ای که در جریان قیام و با فرار سرمایه‌داران از کار افتاده بود و سپس کنترل و اداره امور آن و افزایش بهره‌وری تولید در واحدها (میزان تولید کارخانه لیفت‌تراک سازی تبریز پس از اداره آن توسط شورا از ۲ لیفت‌تراک در

خود سعی کنند شوراها را بی‌محتوی سازند. حزب جمهوری اسلامی یا اتکاء به انجمن‌ها و کانون‌های وابسته به خود در کارخانجات می‌کوشد از عواطف و اعتقادات مذهبی کارگران بهره‌برداری کند و رهبری مطلق همه فعالیت‌های درون کارخانجات را به خود اختصاص دهد. انحصارجویی و تنگ‌نظری این حزب به آن اندازه است که تنها برای نیروهای وابسته به خودش حق حیات سیاسی - اجتماعی

مجدد در آنها (کارخانه کاشی پارس قزوین - نیمه دوم فروردین ماه) ، تحریک کارگران ناآگاه به ایجاد درگیری با کارگران مبارز و مترقی و همچنین دامن زدن به این درگیری و تشدید اغتشاش برای زمینه‌سازی و توجیه ورود پاسداران به کارخانه‌ها و بازداشت کارگران مبارز، اتهام و دروغ‌پردازی علیه نیروهای انقلابی و کارگران مترقی (در ۱۵ فروردین ماه جاری کارخانه ایرداک تبریز کارگر مبارزی

مورد تلاش‌های حاکمیت برای مقابله و اوجگیری از اعمال اراده توده‌ها از طریق شوراهایشان بود. اما مسئله جانب دیگری هم دارد. یعنی وجود:

الف - بحران عمیقی که به صورت بیکاری، تورم، کمپایی و گرانی گریبانگیر جامعه است و چارچوب قوانین گذشته را در هم‌ریخته و بازسازی آن را با همان مضامین ناممکن ساخته و طالب وضعیت دیگری است. ب - اراده و آگاهی توده‌های مردم که تجربه قیام را پشت سر دارند، و به حقوق خویش و تشکیلات حافظ منافع خویش کم و بیش آشنائی یافته‌اند.

پ - وجود سازمان‌های انقلابی و مترقی که می‌کوشند بر بستر این واقعیات برای گسترش مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها به سنگرهای واقعی این مبارزه یعنی تشکلهای توده‌ای (به ویژه شوراها کارگری و ...) اتکاء نموده و در جهت ارتقاء آگاهی و انسجام و تشکل رزمنده کارگران و زحمتکشان گام بردارند. گسترش و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک منوط به دفاع فعال از سنگرهای این مبارزه یعنی دفاع از شوراها و در رأس آن شوراها کارگری است. یعنی دفاع فعال از دستاوردهای دمکراتیک توده‌ها در برابر سرکوب و هرج و مرج. در مقابل خطری که شوراها را تهدید میکند (از هم پاشیدن و از محتوی تهی شدن) باید قبل از هر چیز از شورا، به مثابه یکی از دستاوردهای درخشان مبارزاتی مردم ما بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم و همچون سنگری که تامین منافع اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان، محتوی آن بوده دفاع کرد. شوراها نمونه‌ای از تشکل توده‌ای در بقیه در صفحه ۷

● کارگران پیشرو باید از برخوردهای ایدئولوژیک در درون شوراها پرهیز کنند و با افشگری‌های سیاسی و ارائه راه‌حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران، شورا را تقویت کنند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنجا که مبتنی بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تاکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهرآگین و نفاق‌افکنانه حاکمیت را که همواره از "اخلال در تولید" توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زنند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند.

را به اتهام واهی رشوه‌خواری دستگیر می‌کنند). اینها از جمله روشهایی است که حزب جمهوری اسلامی با توسل به آنها می‌کوشد شوراها را کارگری را از مضمون و محتوای توده‌ای و همگانی‌اش تهی کرده و آن را به صورت جریان‌های فرمایشی در شکل توده‌های را به پای دولتی بدل کند و اما بر در با روشی دیگر شعار "بی شورا" را مطرح می‌کند او می‌کوشد که جنبه انقلابی و توده‌ای شوراها را تحت - الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضد کارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و متلاشی سازد. رئیس جمهور می‌کوشد تا با تضعیف تدریجی شوراها، وزارت کار و مدیریت کارخانه‌ها را تقویت کند و شورا را به زائده ادارات دولتی و مدیران تبدیل نماید. آنچه گفته شد، عمدتاً در

قائل است و زیر عنوان تشکلهای شوراها صد در صد اسلامی می‌خواهد کنترل خود را در کارخانجات برقرار کند. غافل از آنکه شورا نه یک تشکیلات حزبی بلکه تشکیلاتی همگانی و توده‌ایست. انحلال شوراها انقلابی و مترقی، تحریک توده‌های ناآگاه و به‌ویژه اعزام باندهای سیاه به کارخانجات (کارخانه ساندیس ارومیه در تاریخ ۳۰ فروردین مورد هجوم قرار گرفت و شورای آن منحل اعلام شد و ۱۵ تن از کارگران دستگیر شدند. کارخانجات ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز در هفته دوم اردیبهشت ماه جاری توسط عناصر مشکوک و باندهای سیاه اشغال شد و شورای انقلابی آن منحل گردید). برگزاری انتخابات مجدد (و کنترل شده) برای کنار زدن نمایندگان مترقی و مبارز در جوی تحریک شده و ضد کارگری، تلاش برای حفظ و تثبیت شوراها فرمایشی و مخالفت جدی با انتخابات

هفته به ۲۱ واحد رسید و یا یازدهمی راه‌آهن سراسری با نظارت و کنترل شورا طی یک سال گذشته ۲۰٪ افزایش یافت) اخراج عوامل و وابستگان به دربار و امپریالیسم، ساواکی‌ها و دیگر مزدوران رژیم گذشته، مقابله و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که ثمره‌اش بهبود شرایط کار و زندگی توده کارگران بود، از دستاوردهای شوراهاست. این تشکلهای سنگر واقعی مبارزه ضدامپریالیستی بوده است و هم از این روست که کارگران در روز اول ماه مه شعار (در سنگر شوراها، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا) را سر می‌دهند. مبارزه شوراها که در گسترش خود، نظام سرمایه‌داری را به مخاطره می‌اندازد حزب جمهوری اسلامی و بنی‌صدر را وامی‌دارد که هرکدام به شیوه

استقلال - کار - مسکن - آزادی



آنجا که شوراهای واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری ...

بقیه از صفحه ۶

و کم و کیف این مبارزه باید در خدمت آن باشد. کارگران پیشرو باید از برخوردهای ایدئولوژیک در درون شوراهای پرهیز کنند و با افشگریهای سیاسی و ارائه راه حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران شورا را تقویت کنند.

۶- دستاوردهای مثبت کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی‌ای را که توسط شوراهای کنترل و اداره می‌شوند تبلیغ نمایند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنجا که مبتنی بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تأکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهر آگین و نفاق افکنانه حاکمیت را که همواره از "خلال در تولید" توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند. در این رابطه است که باید کارگران پیشرو مفهوم روشنی از نقش شوراهای پیشبرد مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک تصویر کنند. به این معنی که علاوه بر آنکه باید بر نقشی که شوراهای به عنوان نفی‌کننده ضوابط ورشکسته و ضد مردمی پیشین داشته و دارند تأکید شود، به اهمیت نقش سازنده شوراهای در مقابل نظم ورشکسته‌ای که نفی‌اش می‌کنند بیش از پیش تأکید کنند و مشخصاً نشان دهند که چه چیز نوینی را جایگزین کهنه می‌کنند و این امر با تأکید بر سهم این تشکلهای در سازندگی اقتصادی - سیاسی جامعه میسر می‌شود.

با تفهیم اصولی این دو جنبه مبارزه شورا (نفی ضوابط کهنه و بی‌ریزی ضوابط نوین) بر بستر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها، پیشروان طبقه کارگر قادر خواهند بود رهنمودهایی انقلابی، مشخص و موثر بدهند و تعهد ویژه شان را در این مبارزه به نحوی مسئولانه ادا نمایند.

تداوم آن حرکت و آن شعار را در جهت تحقق آن تضمین نماید. ایجاد کانون‌های هماهنگ کننده شوراهای گام مثبتی در این جهت است.

۵- با کار آگاهانه خود جناح‌بندی‌های ساختگی و تبعیض آمیز را که مانع اتحاد یکپارچه کارگران می‌شود خنثی نمایند. تبلیغات سوئی که بر مبنای تقسیم‌بندی کارگران به مذهبی و غیر مذهبی صورت می‌گیرد تنها به سود نیروهای ضد کارگر است. در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر صف بندی ایدئولوژیک در درون شوراهای و تشکلهای توده‌ای مشابه آن (قطبی شدن کارگران در تشکیلات علنی) تنها از هم پاشاندن آن را تسریع می‌کند شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی با دامن زدن به چنین جناح‌بندی‌هایی خصلت توده‌ای و همگانی شوراهای را زایل می‌کنند. وقتی که حزب جمهوری اسلامی از شورای ضد در صد اسلامی صحبت می‌کند، با مبنا قرار

قادرند در حرکت شرکت نمایند نیز باید در اتخاذ تاکتیک در نظر گرفته شود. و نه تنها سطح مبارزات کارگر بلکه وضعیت عمومی جامعه فضای سیاسی حاکم بر آن نیز مورد محاسبه قرار گیرد. نمونه‌هایی دیده شده است که شوراهای بدون توجه به

مقابله و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که ثمره‌اش بهبود شرایط کار و زندگی دستاوردهای شوراهاست.

جموعه امکانات عینا موجود خود در جهت به دست گرفتن کنترل کارخانه حرکت کرده‌اند که به علت عدم تطابق این حرکت با وضعیت عمومی جامعه ناموفق بوده‌اند. و همینطور دیده شده است که یک شورا به اتکال سنت مبارزاتی درخشانش دچار سرگیجه ناشی از موفقیت شده و حتی شعار اعمال حاکمیت

بنی‌صدر با شعار "شورا بی‌شورا" می‌کوشد که جنبه انقلابی و توده‌ای شوراهای را تحت‌الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضد کارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و متلاشی سازد.

دادن ایدئولوژی و مذهب برای یک تشکل توده‌ای عملاً این تشکل را نفی می‌کند و مانع وحدت تشکیلاتی کارگران می‌شود. هدف تشکلهای توده‌ای بسیج و سازماندهی توده کارگران (و یا دیگر اقشار) است برای حل مسائل خودشان و مسلم است که در چنین تشکلهایی موضوع مبارزه و جریان‌های مختلف سیاسی در چارچوب مسائل و مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران و طرح‌ها و شیوه‌های عملی حل آن بروز می‌کند نه در قالب مجرد و ایدئولوژیک آن. آنچه که در این تشکل محور کار است منافع اقتصادی - سیاسی کارگران است و تمامی شیوه‌ها

کارگری را هم به آسانی طرح کرده است و در نتیجه بجای آنکه به الگوی تعمیم پذیری تبدیل شود، موجبات انفراد و انزوای بیشتر خود را فراهم کرده است. کارگران پیشرو نباید نمونه‌سازی از این یا آن شورا را دامن بزنند بلکه باید سعی کنند شوراهای را با شعارهای هماهنگ به پیش برند. گسترش متوازن و هماهنگ شعارهای انقلابی می‌تواند گرایش به الگوسازی صرف را تحت‌الشعاع قرار دهد و شعارهای انقلابی منفرد و بی‌شیرس را مهار کند. طرح یک شعار انقلابی تنها آغاز یک حرکت نیست بلکه مهمتر از آن به معنای قبول مسئولیتی است که گسترش و

عقب‌نشینی‌های موقتی و رفع موج تهاجم و سرکوب از خود نشان دهند و شورا را (مضمون آن را) از خطر ازم‌باشیدگی حفظ کنند تا مجال گسترش مجدد شوراهای را پیدا کنند و در این رابطه باید علاوه بر مقابله با توطئه‌گران ضد کارگر با جریان‌های انحرافی، چه

آنارشیستی و چه تسلیم‌طلبانه درون کارخانه نیز خط فاصل روشن و متمایز ترسیم نمایند. ۴- در برخی موارد مبارزات یک شورا ابعادی فراتر از چارچوب کارخانه می‌یابد و یا یک حرکت مشخص چشم‌انداز شرکت نیروهای وسیع‌تری را نشان می‌دهد و با محتوی و شیوه مبارزه حساسیت نیروهای غیرکارگر و ضد کارگر را در دفاع از منافع طبقاتی‌شان برمی‌انگیزد (مثل حرکتی که مضمونش تعرض شورا به "حریم" مالکیت خصوصی باشد) و همچنین مواردی که خواست‌های سیاسی بالنسبه مهم و یا خواست‌های اقتصادی (به صورتی گسترده و هماهنگ) مطرح می‌شود و امکان سرایت آن به نیروها و واحدهای دیگر کارگری می‌رود و یا حتی در یک شورا و یا چند شورای معدود سنت مبارزات انقلابی پایه می‌گیرد و کانونی برای گسترش شعارها و خواست‌های انقلابی کارگران به واحدهای دیگر می‌شود. در همه این موارد سنگینی بار وظیفه‌ای که نیروهای پیشرو و آگاه بردوش دارند آنچنان زیاد است که اتخاذ تاکتیک مناسب با سانی میسر نیست. در اینجا نه تنها باید توان و ظرفیت عینا موجود کارگران و شورائی که حرکت را آغاز می‌کند، بلکه ظرفیت و توان همه عناصر بالقوه‌ای که

میهن ماست که در برابر تهاجم به حقوق دمکراتیک باید از آن قاطعانه پاسداری کرد. به این ترتیب - نیروهای آگاه و ترقیخواه باید: ۱- مفهوم مترقی و انقلابی شورا و راز قدرت و استقامت آن را بیش از پیش به توده‌های کارگر توضیح دهند. اینکه نمایندگان شورا با رای مستقیم و مخفی همه کسانی که در کارخانه کار می‌کنند تعیین شده و بوسیله همانها نیز مستقیماً عزل خواهند شد و هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد برای کارگران "نماینده‌ای" منصوب نماید و یا نمایندگان آنها را خودسرانه عزل کند. (بطور مثال دخالت بی‌جای استاندار و مقامات "مسئول" دیگر در کار شوراهای تبریز و مداخله وقیحانه اوپاش در کارخانه پاکدیس ارومیه و بازداشت و عزل خودسرانه نمایندگان شورا توسط پاسداران و ۱۰۰۰ شورا متعلق به کارگران است و تعیین خوب و بد آن نیز با آنهاست و کارخانه محل کار و زندگی و مبارزه کارگران است و از این رو هیچ کس حق تجاوز به حریم آن را ندارد. کارگران از شوراهای و از کارخانه‌ها در برابر تجاوز و تعدی سرمایه‌داران و باندهای آنان باید پاسداری کنند.

۲- با افشگری هرچه وسیع‌تر توطئه‌های ضد کارگری سرمایه‌داران و عوام‌پسندان و همچنین افشای توطئه‌ها و حرکات مداخله‌جویانه عناصر غیر مسئول و شناسائی باندهای سیاه و رهبران و سازماندهندگان و نحوه کار آنها توده‌های کارگر را یاری دهند تا با اتحاد آگاهانه‌شان حول شورا از حقوق واقعی خویش دفاع کنند.

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عینا موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، اعطاف لازم را برای

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

یادداشتی از سفر نوروز به کردستان

● مردم نگران مرکز بودند، خبر ناثر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بزن نخواهند داشت.

فرصت خوبی بود در ایام عید که به کردستان سفری کنیم. کردستان وقایع خونینی را پشت سر گذاشته بود. خبرها از دور می آمد. از خواست مردم کردستان برای داشتن شوراها، برای نابود کردن تحقیر و ستم ملی که طی سالها بر آنان روا شده بود. برای آنکه خرابی و بیدادی را که سالهای متمادی بر آنها رفته است نابود کنند به محض ورود، احساس تازه ای که به آدم دست می داد، احساس نگرانی از مرکز بود. آیا جنگ افروزان دوباره دست به تدارک حمله ای خواهند زد؟ آیا آنها نمی خواهند ایرانی آزاد و فارغ از ستم وجود داشته باشد؟ آیا آنها دوباره خانه ها و بیمارستان ها و مردم و کوچه و بازار را به گلوله خواهند بست؟ این نگرانی در چشم همه بود. کودکانی که روی تپه آواز می خواندند با شک و تردید غریبه ها را نگاه می کردند! آوازشان را قطع می کردند و می خواستند بدانند ما حامل خبرهای شومی برای آنها هستیم یا پیام آوران شادی. در گوشه ای، مردم جمع شده بودند و کسانی را که جوانان را معتاد کرده بودند، محاکمه می کردند. اکثر این قاچاقچیان و لمپن ها از عناصر وابسته به "مفتی زاده" بودند. مردم به مسافریین می گفتند: خودتان قضاوت کنید ببینید در اینجا چه کسانی هوادار اسلام مفتی زاده ها شده اند و گرداننده بساط او هستند. متهم در جریان وقایع خونین کردستان، تفنگ از مفتی زاده گرفته بود و مردم کرد را می کشت. در جاهای دیگر نمایشگاه هایی برپا کرده بودند که به مردم فجایع امپریالیسم را نشان می داد. در جای دیگر به مردم سواد یاد می دادند. و راه کشت و آبیاری بومی. در همه جا زندگی تبلور داشت. اما آهسته آهسته خبر کشتار "قلاتان" در همه جا پخش شد. سوخته مردم رو به

سنگرها آوردند. خبر ناثر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بزن نخواهند داشت و به عناوین مختلف سعی دارند منطقه را به آتش بکشند. در قهوه خانه ها در معابر عمومی صحبت از این قتل عام بود آنچه برای هر مسافر آزار دهنده بود این بود که به راستی این چه دست هایی است که در زیر پوشش اسلام قاچاقچیان و اوباش را اجیر می کند تا فرزندان راستین کرد را به گلوله بسپارد.

در سیمای مردمی که به پا خاسته بودند تا زندگی را بسازند و برقرار کنند، تصمیم و مقاومت موج می زد. دست های آنان، آماده ساختن قلب آنها، از صلح مالا مال بود. حدود ۱۱ شب به ما خبر دادند زخمی های دهکده "قلاتان" به شیر و خورشید مهاباد منتقل شده اند. به بهانه دیدن برادر یکی از پیشمرگه ها توانستیم در آن وقت شب به بیمارستان برویم. بعد از دیدن چند زخمی که ماهها در بیمارستان بستری بودند

یکی از مجروحان قلاتان را دیدیم. پیرمردی بود هفتاد یا هشتاد ساله. دردی عمیق تمامی چشمانش را پر کرده بود. دردی که در چشم تمامی زحمتکشان آن را می توان دید. جنایتکاران با تبر پایش را از زیر زانو قطع کرده بودند. دهقان زجر کشیده و نگاهش امیدوار بود احساس کردیم که باید تا توان داریم این صدای حق طلبانه و این جنایت بی شرمانه را به همه شناسانیم. باید زحمتکشان یزد، قم، تهران، خوزستان

گیلان و تمامی زحمتکشان ایران بدانند که این جنگ، جنگ شیعه و سنی نیست. جنگ کرد و فارس نیست. بلکه گوشه ای چشمگیر از مبارزات خلق بر علیه امپریالیسم است. باید همه زحمتکشان بدانند که کشتار در کردستان برای آن است که نگذارند زحمتکشان قدرت و اراده خود را برای ساختن یک ایران مستقل که کردستان جزئی از آن است به کار گیرند و به شمر رسانند.

قسمتهائی از اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان

ترور رفیق کمال کیانفر (دانشجوی پیشگام تبریز)

بیانگر درماندگی و ضعف سرکوبگران در مقابل جنبش رو به رشد زحمتکشان است

خلق قهرمان ایران! مردم مبارز تبریز! -

عصر روز سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۵۹ هنگامی که رفیق کمال کیانفر دانشجوی پیشگام (سال اول فنی رشته مکانیک تبریز) به همراه چند تن از هم رزمانش مشغول پخش "خبرنامه کردستان" در مسیر چهار راه متحدین - میدان شهرداری بودند، توسط ماشین سپاه پاسداران تعقیب می شوند. پاسداران مسلح برای دستگیری رفقا از ماشین پیاده می شوند، عابریین به محض مشاهده این عمل پاسداران به حمایت از رفیق کمال و هم رزمانش بر می آیند. مردم رفیق را از چنگ پاسداران مهاجم رها می کنند. رفیق تلاش می کند که خود را از صحنه دور کند ولی پاسداران در حضور عده ای از مردم زحمتکش تبریز به طرف رفیق کمال نشانه روی کرده و او را هدف گلوله قرار می دهند. گلوله به مغز رفیق اصابت می کند. او در واپسین لحظه زندگی اش آخرین نیروی حیاتش را جمع می کند و برای آخرین بار می گوید: "درود بر کارگران رفیق کف خیابان می افتد و خون سرخش خیابان را گلگون می کند مردم به شدت به پاسداران اعتراض می کنند. مردم تلاش می کنند تا او را به بیمارستان برسانند ولی پاسداران با بیرحمی مانع رساندن رفیق به بیمارستان شده و نتیجتاً شهیدی دیگر به شهدای انقلاب ایران افزوده می گردد. مردم با به شهادت رسیدن رفیق خشمگینانه دست به اعتراض زده و با دادن شعار "این سند جنایت است امریکاست"، "ای جلاد ننگت باد، امریکا مرگت باد"، "ملت قضاوت ایله، آیا بودور آزادلیق؟" (مردم قضاوت کنید - آیا این است آزادی؟) نفرت خود را از این عمل جنایتکارانه بیان می دارند.

این جنایت آشکار تنها نمونه کوچکی از اعمال ضدانقلابی است که اینک در سراسر میهن ما بر علیه جنبش انقلابی توده ها جریان دارد. سرکوب جنبش انقلابی توده ها در شرایطی گسترش می یابد که امپریالیسم امریکا با همدستی مزدورانش در ارتش دست به تجاوز آشکار بر علیه جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک مردم مبارز میهن زده است. این اعمال بیانگر تلاش مذبوحانه کسانی است که از جنبش رو به رشد توده ها به وحشت افتاده اند. ما ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه خواهان محاکمه علنی پاسدار قاتل بوده و سپاه پاسداران، شورای انقلاب و شخص ریاست جمهوری را مسئول مستقیم این ترور جنایتکارانه می شناسیم. ما از تمام نیروهای انقلابی، از جمله هواداران سازمان می خواهیم که با تمام توان خویش و با هر امکانی که در دسترس دارند ماهیت این عمل جنایتکارانه را برای توده ها توضیح دهند. هواداران سازمان و دیگر انقلابیون صادق در چنین شرایطی که جنبش انقلابی توده ها مورد تهاجم امپریالیسم و عوامل مزدور سرمایه داری قرار گرفته، وظیفه دارند که با تمام توان خویش در جهت سازماندهی مبارزه زحمتکشان فعالیت انقلابی شان را شدت دهند. ما ایمان داریم که هیچ نیروئی قادر نخواهد بود مانع رشد روزافزون جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان میهن ما گردد.

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



۲۱ اردیبهشت

مربوان یکشنبه

پنجم مبارز شهر امروز یکی از شهیدان خود را که در جریان درگیری گروه رش به شهادت رسیده بود، به خاک سپردند. باز هم شهیدی به انبوه شهدای خلق اضافه شد.

بیجار

امروز بر اثر انفجار یک مین در اطراف مقر ارتش یک نظامی کشته و دو سرتن زخمی شدند.

پاوه

انفجار مین در اطراف ششاعت کشته شدن دو پاسدار شد. در این جریان دو پاسدار دیگر نیز مجروح شدند. این نتیجه اجتناب ناپذیر جنگی است که سرکوبگران مردم به راه انداخته‌اند و در آن زحمتکشان بیش از همه رنج می‌بینند. این پاسداران نیز اکثرًا از اقشار زحمتکش جامعه برخاسته‌اند. بسیاری از جوانانی هستند که جز خدمت به میهنشان هدفی ندارند. آنها نیز قربانی مطامع قدرتمندان و مسئولان جنگ‌افروز مملکتی می‌شوند. فرماندهانشان آنها را می‌فریبند، به بهانه خدمت به خلق، به کشتار خلق روانه‌شان می‌کنند، از احساسات پاک مذهبی‌شان سوء استفاده می‌کنند و آنها را به جبهه‌های گسیل می‌دارند که جز مردم زحمتکش، کسی در مقابلشان نیست. دست جنگ‌افروزان از آستین آنان بیرون می‌آید و سلاحتشان که باید سینه دشمنان مردم را آماج خود بگیرد، قلب توده‌ها را نشانه می‌رود. آنها بسیاری‌شان فریب خورده‌اند.

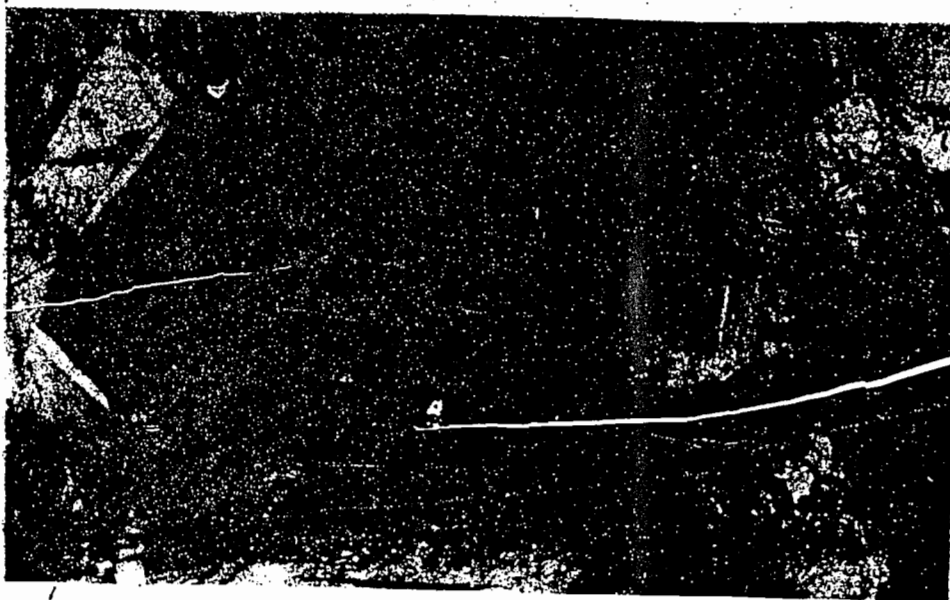
ارومیه

درگیری بین نیروهای نظامی و پیشمرگان ساعتها است که ادامه دارد. در جریان این درگیری ۲ پاسدار و ۸ سرباز کشته و مجروح شده‌اند. صبح روز بعد همچنان صدای شلیک‌های پراکنده به گوش می‌رسد.

بانه

به دستور فرماندهان ارتش هلی‌کوپترها و فانتوم‌ها به دستور فرماندهان ارتش مرتب شهر را به راکت می‌بندند. صبح امروز دو فروند هواپیما بر فراز شهر به مانور پرداختند. حوالی ظهر هلی‌کوپترها در آسمان شهر ظاهر شدند و شهر را به گلوله بستند. لیکن آتش سلاح‌های پیشمرگان به آنها امکان فرود نداد و مجبور به عقب‌نشینی

چه کسانی به جای صلح، جنگ را دامن می‌زنند؟



جنگ تحمیلی احیر بر خلق دلاور کرد، برای مردم رزمنده آن ویرانگری‌های بی‌شاری را به دنبال داشته است. در معصومیت نگاه کودکان گزده آینده درخشانی موج می‌زند. در زیر این خانه‌های چادری کودکانی بزرگ می‌شوند که درس مبارزه را می‌آموزند.

حلق ترک و کرد بود. مردم ماندوباب به خاطر اعتراض به محاصره اقتصادی شهرهای کردستان در فرمانداری متحصن شده‌اند و تهدید کرده‌اند که اگر محاصره ادامه یابد تمام مفاخره‌های خود را تعطیل خواهند نمود. مردم مارز شهر قبلاً نیز با اقدامات انقلابی خود از خواست‌های به حق و عادلانه خلق کرد حمایت کرده بودند و این خود مشت محکمی است بر دهان کسانی که می‌گویند با نفاق افکنی اتحاد انقلابی خلقها را تضعیف کنند و آنها را در برابر دشمنان مشترکشان دچار تفرقه سازند.

سندج

تهاجم سپاه پاسداران و ارتش همچنان ادامه دارد. امروز در درگیری‌های جاده "حسن‌آباد" و استانداری بیش از ۵ تن از پاسداران کشته و تعدادی مجروح شدند. امروز همچنین در "کردی کرول" بین نیروهای جنبش مقاومت و سپاه پاسداران درگیری پیش آمد که طی آن تعدادی از پاسداران کشته و زخمی شدند. در این جریان دو پیشمرگه نیز به شهادت رسیدند.

میان‌دوآب

امروز در شهر میان‌دوآب حدود ۸۰۰۰ نفر از اهالی شهرها و روستاهای مختلف گرد آمدند تا شاهد محاکمه دو تن از پیشمرگان باشند. افراد فوق به جرم قتل یک هم‌وطن ترک میان‌دوآبی محاکمه و به اعدام محکوم شدند. حکم اعدام در ساعت ۳ بعد از ظهر در باغ "خانه پیشاهنگی" به اجرا درآمد. محاکمه توسط نیروهای سیاسی کردستان

اسلامی مخایره شده سربگواه دیگری است که وضع ارتش را نمایان می‌سازد. این پیام وضعیت پادگان را به شدت خطرناک توصیف کرده و صریحاً اعلام نموده است که اگر تا دو روز دیگر کمک ارسال نشود پادگان به دست پیشمرگان سقوط خواهد کرد. همچنین سربازان پادگان شهر تهدید کرده‌اند که در صورتی که ترتیبی برای جمع‌آوری اجساد سربازان، از میدان جنگ داده نشود، آنها به گردها ملحق خواهند شد.

سقز

در جریان درگیری‌های امروز شهر، ۳ ارتشی کشته و عده‌ای زخمی شدند. از مردم عادی نیز عده‌ای مجروح شده‌اند.

۲۲ اردیبهشت

خوی

امروز عده‌ای از پرسنل انقلابی، به منظور اعتراض به وقایع اخیر کردستان در پادگان شهر متحصن شده‌اند. فرماندهان زاندارمری به دنبال این اقدام انقلابی پرسنل مبارز به خوی آمده است. متحصنین که دیده‌اند چگونه مسئولین جنگ افروز مملکتی و فرماندهان مزدور آنها را به کشتار زنان و مردان زحمتکش کرد و می‌دارند، با این عمل انقلابی خود یک بار دیگر نشان می‌دهند که در میان سربازان، درجه‌داران و افسران جز کم نیستند کسانی که به هیچ قیمتی حاضر نمی‌شوند گلوله‌هایشان را در سینه‌های خلق خویش بنشانند.

میان‌دوآب

شهر امروز شاهد همبستگی ستاد مشترک ارتش جمهوری

(حزب دمکرات) صورت گرفت. طبق اطلاع رسیده افراد مزبور از پیشمرگه‌های حزب دمکرات بوده‌اند. اقدام انقلابی نیروهای جنبش مقاومت در زمینه مجازات افراد فوق، باعث تحکیم هر چه بیشتر وحدت مبارزاتی خلق ترک، و کرد شد و در عین حال نشان داد که جنبش مقاومت کردستان هرگونه تجاوز به جان و مال زحمتکشان را به ویژه از سوی افراد پیشمرگه، به‌شدیدترین وجه مجازات می‌کند.

۲۳ اردیبهشت

سردشت سه‌شنبه

در اینجا نیز جنگی خانمانسوز بر خلق کرد تحمیل شده است. اکنون مدتها است که از آغاز جنگ می‌گذرد و در این مدت چه خون‌ها که بر زمین نریخت و چه خانه‌ها که بر سر ساکنانش ویران نشد. پایگاه "گولته" همچنان در محاصره نیروهای پیشمرگه خلق است. روحیه سربازان بسیار متزلزل است. مزدوران جاش در پادگان حضور دارند. این عناصر خودفروخته که تعدادشان به ۳۰ نفر می‌رسد سربازان را دلداری می‌دهند و آنها را به جنگ و آدمکشی تشویق می‌کنند. این هم از شاهکارهای مقامات دولتی است که از یک طرف به بهانه خلع سلاح گروه‌های مسلح خلقها را به خاک و خون می‌کشند و از سوی دیگر پست ترین افراد - جاش‌ها - را مسلح کرده به اسم "پیشمرگان مسلمان کسرد" به جان مردم می‌اندازند. در جریان زد و خوردی که امروز بین نیروهای نظامی مستقر در پادگان و پیشمرگان مسلح خلق روی داد یک پیشمرگه شهید و ۳ پیشمرگه زخمی شدند. در این میان یکی از جاش‌های معروف به اسم "ملاحسن" شیوه سلی نیز زخمی شده است.

۲۴ اردیبهشت

همچنین در درگیری‌های پایگاه "گولته" ۵ نفر (۸ زاندارم و ۲ جاش) کشته شدند.

۲۴ اردیبهشت

حملات هلی‌کوپترها ادامه دارد. ارتش و سپاه پاسداران همچنان به تهاجم ادامه می‌دهند. امروز در "ربط" هلی‌کوپترهای ارتش به‌جای حمله به سنگر نیروهای جنبش مقاومت مواضع نیروهای ارتش و سپاه پاسداران را به گلوله بستند. در این حادثه بیش از ۳۵ پاسدار و ارتشی کشته شدند. هم‌اکنون آب و برق شهر قطع است. سردشت یک شهر جنگ زده است. خانه‌های ویران، آثار گلوله و خمپاره، گرسنگی، بیماری، فقدان امکانات اولیه و ... این است چهره‌ای که سیاست

جنگ افروزان از سرزمین کردستان می‌سازد. سرزمین صلح و کار. سرزمین دلاوران جان بر کف سرزمین مقاومت.

باناه

نیروهای پیشمرگه به درون پادگان راه یافته‌اند. امروز نیروهای جنبش مقاومت موفق شدند تعدادی از سنگرهای داخل پادگان را به تصرف در آورند. هم‌اکنون بخش وسیعی از پادگان در تصرف مردم و پیشمرگان است.

ماکو

از چندی قبل قرار بوده است که عده‌ای پاسدار را از این شهر به سنندج اعزام کنند. لیکن به هنگام حرکت ۲۰ نفر از آنها از رفتن خودداری می‌کنند. خانواده‌های این افراد که همه از زحمتکشان روستاهای ماکو هستند در شهر جمع شده و از مقامات خواسته‌اند که فرزندانشان را به کردستان نفرستند. جنگ افروزان و سرکوبگران خلق کرد باید بدانند که این تازه آغاز کار است. آنها برای همیشه نخواهند توانست با تبلیغات عوام‌فریبانه‌شان پاسداران را به بسیاری‌شان از طبقات محروم جامعه برخاسته‌اند بفریبند و به کشتار هم میهنان خودوآدار سازند.

تقدیه

دیشب نیروهای مسلح خلق کرد با جاش‌های مزدور درگیر شدند و ۲ تن از آنها را به هلاکت رساندند.

کرمانشاه

امروز یک هلی‌کوپتر ارتش سقوط کرد و ۲ خلبان آن کشته شدند. روز گذشته ۲ هلی‌کوپتر شنوک پاسداران و نظامیان مجروح را به این شهر منتقل کردند.

اشنویه

اینجا نیز گرسنگی ناشی از کمبود آذوقه، بیداد می‌کند. مقامات دولتی زحمتکشان را تا سرحد مرگ، گرسنگی می‌دهند. برآستی باید از آنان پرسید اگر بنا به گفته خودتان در کردستان تنها عده معدودی از سازمانها و افراد مسلح هستند که آشوب ایجاد می‌کنند، اگر شما راست می‌گویید که این مردم کرد نیستند که مقاومت می‌کنند پس چرا آنها را در محاصره اقتصادی قرار داده‌اید؟ چرا آنها را گرسنگی می‌دهید؟ چرا خانه‌هایشان را با فانتوم هلی‌تان در هم می‌کوبید؟ هم‌اکنون بیش از ۱۵۰۰ نفر از آوارگان روستاهای مختلف به شهر اشنویه پناه برده‌اند و از نظر مایحتاج عمومی در وضعیت بسیار سختی به سر می‌برند. بقیه در صفحه ۱۵

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

گرایشات آنارشیستی و سندیکا لیستی "پیکار"

سازمان پیکار عمدتا در محدوده روشنفکران فعالیت می کند و سیاست هایش نیز عمدتا از روشنفکران آما تور تغذیه می شود این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می پروراند و افراط هایی را به دنبال دارد که دائما و به سادگی به یکدیگر بدل می شوند، به نحوی که اگر در این حد افراط، روشنفکران به دنبال توده ها می افتند و در مقابل آنها سر فرود می آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می دانند در حد دیگر فرسنگها جلوتر از توده ها قرار می گیرند و به جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می زنند و این یعنی آنارشیسم.

می نویسد:

"عین همین وظیفه را هسته در قبال سندیکا هم دارد منتهی با این تفاوت که هسته یا توجه به این که یک جمع سیاسی است (!) فقط در رابطه با شورا می تواند حتی در فعالیت های آن شرکت هم داشته باشد. در حالی که با توجه به این که سندیکا یک تشکیلات صنفی است، هسته فقط بر کار آن می تواند نظارت و کنترل داشته باشد و دیگر لزومی به شرکت آن در فعالیت ها و امور سندیکا نیست."

با چنین بینی است که "پیکار"، "ارگان سیاسی - تبلیغی" سازمان "پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" به دوست داران آزادی طبقه کارگر و روشنفکران عرضه می شود. با این توضیح که: "ما بعد از این گوش می کنیم که از طریق این نشریه، دیدگاه های خود را نسبت به مسائلی که با زندگی و حیات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی خلق های ما و نیروهای وابسته به آنها در رابطه قرار دارد، توضیح دهیم و موضع خود را نسبت به این مسائل در حد توان خود روشن کنیم."

و بدین ترتیب جنبه دیگری از اکنومیسیم حاکم بر خود را به نمایش می گذارد: دید گروهی و منافع محفلی سازمان پیکار با انتشار روزنامه "پیکار" قصد آن را ندارد که وظایف و تعهدات خود را حداقل به عنوان روشنفکر انقلابی ناقل آگاهی پرولتاریائی به انجام رساند. قصد آن را ندارد که تبلیغ و ترویج ایده های پرولتاریائی را در دستور کار خود قرار دهد، قصد آن را ندارد که افشای سیاسی کند. او قصد آن دارد که "دیدگاه های خود را نسبت به مسائل توضیح دهد و موضع خود را نسبت به آنها روشن کند. و این کمال تنگ نظری و دید محدود و گروهی حاکم بر این سازمان است. برای پیکار در این مقطع توده ها مطرح نیستند. خود او، موضع خودش و دیدگاه های خودش مطرح است."

باید ادعان نمود که اکنومیسیم حاکم بر پیکار اگرچه همواره همراه او و راهنمای عمل او بوده است (۱) اما در مقاطعی گسستگی هایی دارد و گاهی اصلاحاتی در مسیر انحرافی اش رخ می دهد. به عنوان مثال در پیکار شماره ۱۳ آنجا که بحث از "قدرت دوگانه و ارگان های قدرت توده ای" می شود نشانه هایی از تصحیح درک خود را نسبت به شوراها بروز می دهد. ولی انحرافات ریشه دارتر از آن است که به این سادگی ها تصحیح شود. لنین علت "گرایش قهرقباکی در

اکنومیسیم ناب است. همان کارگرزدگی شایع و مسلط بر سازمان پیکار است. این دید سندیکالیستی است و از مفهوم مبارزه سیاسی فرسنگها فاصله دارد. این دید تفاوت بین شورا و سندیکا را نمی تواند درک کند. ممکن است فریاد اعتراض رفقای پیکاری بلند شود که این مواضع مورد استناد مواضع آن سازمان نبوده است بلکه نظریات یکی از "حوزه های" آن سازمان بوده است (داستان "کارگر به پیش" هم از آن جمله داستان هایی است که فقط برای فرار از انتقاد اختراع شده است برای ما با توجه به مهارت "پیکار" در معلق زدن و رد مکانیکی نقطه نظرات قبلی خود با انتقاد از خود سطحی داستان "کارگر به پیش" همچنان در ابهام باقی مانده است). ما اعتراض رفقای پیکاری را درست نمی دانیم و نظر خوانندگان را به مقاله "وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟" که در پیکار شماره ۳۳ به چاپ رسیده است جلب می کنیم.

"در چنین شرایطی وظیفه شورا (مراد ما از شورای واقعی (۲) نه شورای انقلابی لنینیستی، بلکه از نظر وظایف و مضمون همان سندیکای واقعی - سرخ - می باشد) یا سندیکای واقعی کارگران چیست؟ وظیفه شورا یا سندیکای واقعی کارگران عبارت است از تشدید نظارت و کنترل خود بر مدیریت کارخانه... از آنجا که شورا یا سندیکای واقعی کارگران، نماینده کارگران می باشد..."

آیا باز هم جای بحثی هست؟ شورا یا سندیکای واقعی، به عبارت صریح تر شورای سازمان پیکار همان سندیکای واقعی است، همان شکل صرفا کارگری، همان سازمان مبارزه اقتصادی فقط کارگران است و این محصول عدم درک مضمون شورای کارخانه که همانا اعمال قدرت توسط همه کسانی که در کارخانه شاغل هستند و به عبارت دیگر کنترل کارخانه است.

به علاوه اکنومیسیم حاکم بر سازمان پیکار همراه با سطح بائین شوریک جنبش بطور کلی و سازمان پیکار بطور اخص در مورد تشکیلات توده ای و هسته های سیاسی یا به عبارت دیگر هسته های کمونیستی کارخانه تا بدان حد است که "کارگر به پیش" در شماره ۳ خود (۱۰ فروردین ماه ۵۸) تحت همان عنوان "درس هایی از سازماندهی کارگران" و هنگام صحبت از "هسته های سیاسی کارگران و وظایف آن" مهمترین وظیفه تشکیلاتی هسته را "فعالیت در جهت تشکیل شورا های کارگری" می داند و

دیگر این ایده در سطح جنبش کمونیستی ایران جا افتاده است که "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" در جزیران قیام اکنومیسیم تمام عیاری را به نمایش گذاشت و در حالی که توده مردم به خیابان ها ریخته و به عالی ترین شکل مبارزه یعنی مبارزه قهر آمیز و مسلحانه پرداخته بودند، پیکاری ها آن چنان شیفته مبارزه اقتصادی توده کارگران شده بودند که حتی فرصت نگریستن به صحنه اصلی مبارزه را از دست داده بودند.

آنها قاصر از درک درست سطح و شکل مبارزاتی خلق و نیز از وظایف محوله بر دوش پیشاهنگان طبقه و مفتون اشکال نازل مبارزاتی کارگران (خواست های صنفی) شدند.

در چنین اوضاع و احوالی بود که سازمان پیکار یکباره خود را با قیامی شکوهمند روبرو دید. قیامی که علیرغم آنهمه شور و هیجان و اشتیاق مبارزاتی پرولتاریا که پیکاری ها را سخت شگفت زده کرده بود، با دستاوردی در خور پرولتاریا به سرانجام نرسید.

سازمان پیکار که یکباره از خواب غفلت و خوش مبارزه اقتصادی پریده بود، خود و پرولتاریا را عقب مانده می یابد و می بیند که فرصت "افزایش خصلت انقلابی دولت از بالا" را از دست داده است و به دنبال طرح شعار شورا از جانب ما و سایرین راه چاره را در "فشار از بائین" و عمدتا از طریق شوراها می بیند و با طرح شعار "پیش به سوی سهیم شدن طبقه کارگر در قدرت سیاسی!" به کارگران توصیه می کند که "اصلی ترین وظیفه کارگران با تمام ضرورت و اهمیت خود" "ایجاد شورا های کارگری" است علاوه "ایجاد شورا های کارگری... اهمیت اساسی و تعیین کننده ای در سرنوشت طبقه کارگر و هم در سرنوشت توده های خلق ما دارد."

سازمان پیکار در ارائه این رهنمود توجه قابل ستایشی هم بر دو شکل مبارزه اقتصادی و سیاسی در شورا دارد و از بیان این نکته نیز فروگذار نمی کند. اما انحرافی که تمام نار و بود سازمان پیکار را فرا گرفته است ریشه دارتر از آن است که به این سادگی ها تصحیح شود و جای دیگر خود را نشان می دهد. در متن همین مقاله که تحت عنوان اصلی "درس هایی از سازماندهی کارگران" با نام "پیش به سوی تشکیل شورا های کارگری" در شماره دوم "کارگر به پیش" چاپ شده است آنجا که از "یکانی که باید در انتخاب نمایندگان شورا توجه کرد" صحبت می کند کارگر زدگی خود را بار دیگر به عیان بروز می دهد و می نویسد:

"شوراها فقط کارگری است و به هیچ وجه کارگران دیگر نباید در آن شرکت کنند. یعنی حتی حق رای هم ندارند چه رسد به اینکه برای شورا انتخاب شوند. با این تعریف شوراها دارای دو خصوصیت هستند یکی کارگری و دیگری واقعی بودن آن. که وظیفه شان دفاع از منافع و حقوق کارگران و مبارزه در راه رسیدن به خواست های سیاسی و اقتصادی کارگران می باشد. فقط کارگر است که دردد کارگرا می فهمد و کارمندان باید برای خود شورای کارمندی جدا از شورای کارگری تشکیل دهند." و این همان

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات
ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران

گرایشات آنارشیستی

بقیه از صفحه ۱۰

تمام کارگران بیکار آن منطقه را در بر می گیرد ... در صورتی که کارگران پروژه های، سندیکا و یا اتحادیه خاص خودشان را نداشتند، می توانند از طریق نمایندگان خود در گائون شرکت کرده، از این طریق و با استفاده از کمک های گائون به ایجاد سندیکای خود اقدام نمایند.

از این جملات هر خواننده اندک آگاهی متوجه می شود که "چون تشکیلات کارگری نداریم آن را از بالا و در محل مورد نظر خودمان، محل تجمع روشنفکران انقلابی (که در آن زمان "خانه کارگر" بود) به وجود بیاوریم. سازمان بیکار با طرح این شیوه ایجاد تشکیلات کارگری این مسئله را نمی فهمد که چون "تشکیلات کارگری نداریم" به عنوان روشنفکران انقلابی موظفیم با شرکت در مبارزات روزمره کارگران و با افشاکاری اقتصادی و سیاسی و تبلیغ لزوم و اهمیت سازماندهی و تشکل، سطح آگاهی آنان را ارتقا دهیم و حرکات و اعتراضات کارگران را در تشکیلاتی مناسب و منطبق با تجربیات کارگران سازمان دهیم و نه اینکه "چون تشکیلات کارگری نداریم" به جای توده کارگران، روشنفکران انقلابی و یا در بهترین حالات کارگران آگاه و مبارز (و نه توده کارگران) را در محلی جمع کنیم و متشکلشان نمائیم و بر آن نام "تشکیلات سراسری کارگران بیکاریم" تا بتوانیم با پنهان شدن در پشت آنها، به جای پرولتاریا و در عوض آنان ذهنیات خودمان را تبلیغ و به توده ها تحمیل کنیم.

جالب اینجاست که در شماره ۳۷ (هفده دیماه ۵۸) بیکار تحت عنوان "ماهیت ضد کارگری کنفدراسیون کارگران را بشناسیم" که از نخستین شماره "بیکار" پوشش "نشریه گروهی از کارگران کارخانه پوشش نقل شده است، به این نحوه سازماندهی و تشکل (از بالا) جواب می دهد (مسلمانا آگاهانه، چون حرکات آگاهانه بیکار خلاف آن را ثابت می کند):

"اصولا کنفدراسیون" (بخوان تشکیلات سراسری - گائون سراسری) "باید چگونه تشکیل شود؟ کارگران باید اول سندیکا تشکیل دهند و سپس از اتحاد این سندیکاها، اتحادیه های کارگری به وجود آید و بالاخره اتحادیه های کارگری با هم متحد شوند و کنفدراسیون کارگران را ایجاد کنند... در جلسه ای که مسئولان به اصطلاح کنفدراسیون تشکیل دادند، کارگران سئوالاتی کردند که کاملا ماهیت کنفدراسیون چی ها را روشن کرد و آنها را رسوا ساخت. یکی از کارگران پرسید چگونه زمانی که هنوز سندیکاهای کارگری ایجاد نشده، شما برای خودتان و بدون اطلاع کارگران دست به ایجاد کنفدراسیون کارگری زده اید...؟ نماینده این کنفدراسیون ضدکارگری جواب داد: چیزهایی که شما گفته اید وقت زیادی می گیرد و چند سال طول می کشد. ما یک باره آمده ایم کنفدراسیون کارگری ایران را به وجود آورده ایم بعدا می توانیم سندیکا و اتحادیه به وجود آوریم!"

در پایان باید اضافه نمود که تداوم حرکات چپ و حتی تشدید این حرکات توسط این سازمان نکته ای است که به روشنی می توان بر آن انگشت گذاشت. نمونه بارز و برجسته و جدید آن تصویری است که "بیکار" شماره ۴۹ از گروه کانگری کارگران مینو ترسیم کرده است:

"گروگان گیری سرمایه دار خصوصی وابسته: بدین ترتیب کارگران یکی از بزرگترین سرمایه داران خصوصی وابسته را ... بقیه در صفحه ۳

توجهی از گزارشات چاپ شده در این نشریه تحت عنوان "جنبش کارگری" تأیید و حتی تبلیغ پرشور حرکات و اعتراضاتی است که بریستر خواست ها و نیازهای طبقه کارگر و نیز اعتراضات و مبارزات آنها توسط عده ای محدود از کارگران آگاه و مبارز و بدون انطباق با سطح آگاهی و مبارزاتی توده کارگران ایجاد شده است و عملاً هم در اکثر موارد به شکست انجامیده است. (گزارشات استارلایت، شادانپور، ایرانا، مینو، نازخ و ...) نمونه جالب را می توان در "گزارشی از تصرف انقلابی یک ساختمان ۹ طبقه

● اگر در روزهای قیام، اکونومیسم ناب، پرچم بیکار بود، اکنون آنارشیسم ناب پرچم رزم سازمان بیکار است. آنگاه که توده های مردم در کوچه و خیابان ها گوکتل مولوتف می ساختند او سرگرم چانه زنی بر سر اضافه حقوق بود!

در خیابان آزادی توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر" در بیکار شماره ۴۰ یافت: در مورد این مساله که "تصرف انقلابی" ساختمان "توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر برای خود این زحمتکشان گود نشین به چه صورت و تاچه اندازه مطرح بوده است همین بس که برای حفظ ساختمان تداومی از خود نشان ندادند، ثانیاً یکی از گودنشینان جوان که در تصرف ساختمان نقش داشت، در پاسخ پاسداری که از او پرسید چرا اینجا را گرفتید چنین جواب داد:

"والله آمده بودند و گفته بودند که خانه های بالای شهر خالی است؛ آیا نمی خواهید در آنها زندگی کنید؟ اگر می خواهید بجنبید و ماهم آمده بودیم. بعلاوه عدم توجه به سطح واقعی مبارزات

● بیکار تنها ناتوانی عظیم خود را در درک قانونمندی مبارزه توده ها به نمایش می گذارد و از گسترش و چگونگی گذار مسالمت آمیز مبارزات توده ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی داند و همواره آماده است که قهر پیش رس و عصبانیت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده های بنشانند.

کارگران و اتحاد تاکتیک برپایه آن و ایجاد تشکیلات کارگری از بالا "از دیگر جنبه های بروز نمود این طرز تفکر است. "طرح تشکیلاتی کارگران بیکار" که در بیکار شماره ۱۳ ارائه شده است به خوبی این شیوه کار را نشان می دهد. توجه کنید:

"به دلیل عدم وجود تشکیلات سراسری کارگری، کارگران بیکار کارخانه ای، کارگاهی و یا حتی پروژه ای، می توانند و باید در یک "گائون سراسری کارگران بیکار" گرد آیند. لیکن لازم است که همراه و همزمان با تشکیل گائون سراسری کارگران بیکار، کارگران مناطق مختلف، اقدام برای ایجاد گائون منطقه ای خاص خود بنمایند. این "گائون منطقه ای

سوسیال دموکراسی روسیه" (اکونومیسم) را چنین توضیح می دهند: "گسترش تبلیغ، سوسیال دموکرات ها را با قشر عقب مانده و تحتانی پرولتاریا روبرو کرد. برای جلب این قشر لازم می آمد که مبلغ خود را به نازلترین سطح شعور وفق دهد. او آموخت که "خواست ها و ملاحظاتی لحظه مشخص را به پیش کشد و ایده آل های سوسیالیسم و مبارزه سیاسی را عقب راند. طبیعت فعالیت آماتوری و ناقص سوسیال دموکرات ها، روابط بسیار ضعیف میان محفل های آموزشی در شهرهای مختلف و بین سوسیال دموکرات های روسیه و رفقای شان در خارجه که دانش ژرف و تجارب انقلابی غنی تر و نیز افق سیاسی وسیعتری را دارا بودند طبیعتاً این جنبه (مطلقاً اساسی) فعالیت سوسیال دموکراتیک را بطرز مبالغه آمیزی عمده نمود که به افرادی امکان آن را می داد که جوانب دیگر را به فراموشی سپرده ..."

حال اگر توجه کنیم که سازمان بیکار عمدتاً در محدوده روشنفکران فعالیت می کند و سیاست هایش نیز عمدتاً از روشنفکران آماتور تغذیه می شود در می یابیم که این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می پروراند و افراط هایی را به دنبال دارد که دائماً و به سادگی به یکدیگر بدل می شوند، به نحوی که اگر در این حد افراط روشنفکران به دنبال توده ها می افتند و در مقابل آنها سر فرود می آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می دانند، در حد دیگر فرسنگها جلوتر از توده ها قرار می گیرند و به جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می زنند و این، یعنی آنارشیسم، از آن وجه دیگر فعالیت بیکاری هاست که در کنار و به موازات وجهی که از آن سخن گفتیم دیده می شود. البته باید در نظر داشت که در لحظات متفاوت یکی از این دو وجه اکونومیسم یا آنارشیسم غالب است.

● حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف پراکنده اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه دار متشکل کند و به تدارک بپردازد "بیکار" بی تابانه انفجار فشفشه های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پرولتاریا می نامد و گودگانه اعلام می دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود...!"

به آنارشیسم و چپ روی سازمان بیکار بپردازیم که فعلاً به نظر می رسد جنبه غالب انحراف آن باشد: تصور می کنیم خوانندگان نشریه "بیکار" با ما در این مورد اتفاق نظر داشته باشند که عباراتی چون "امروزه تقریباً تمامی کارگران به این حقیقت پی برده اند که سرمایه داران با کمک دولت حامی شان" (شماره ۳۲) به دفعات و مکرراً به جا یا بی جا در متن این نشریه، کار گذاشته شده است در پشت چنین عباراتی همان ایده فرسنگها جلوتر از توده ها بودن و ذهنیت خود را همان ذهنیت آنها دانستن قرار دارد. این نقطه نظر به میزان زیادی در اخبار و گزارشات این نشریه منعکس است. به نحوی که میزان قابل

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

۴۲ سال قبل صهیونیستهای اسرائیلی به کمک کشورهای امپریالیستی سرزمین فلسطین را اشغال کردند

اما سرانجام :

خلق قهرمان فلسطین است که پیروز خواهد شد

۱۵ ماه ۵۸

سالروز تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ هجری شمسی) و تشکیل دولت نژادپرست اسرائیل در سرزمین فلسطینی هاست. جنگ جهانی اول منجر به قطع تسلط امپراطوری عثمانی بر فلسطین شد اما دولت انگلیس توانست توسط جامعه ملل تحت حمایتی این سرزمین را برای خود بدست آورد امری که تا سال ۱۹۴۸ همچنان برقرار ماند.

در اواخر سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقسیم فلسطین را پذیرفت. به موجب قطعنامه تصویب شده که منطبق با خواست صهیونیستها تنظیم شده بود. این سرزمین بطور کلی به دو بخش تقسیم می شد دولت یهودبخشی را که نیمی از جمعیت آن عرب و نیم دیگر یهودی بودند. در بربر می گرفت و شامل ۵۶٪ کل مساحت فلسطین میشد. بخش دیگر که شامل ۴۴٪ مساحت آن می شد. میبایست تشکیل دولتی عربی را می داد. سکند این بخش عموماً عرب و شامل کمی بیش از ۱٪ یهودی می شد. بر طبق این قطعنامه اورشلیم نیز منطقه ای بیطرفی اعلام می شد که میبایست توسط سازمان ملل اداره شود.

در ۱۵ ماه مه ۱۹۴۸ دولت اسرائیل بر مبنای این طرح تشکیل شد. در این فاصله مخالفت اعراب به صورتهای گوناگون و پراکنده بود و منجر به کشته شدن هزاران تن و بیرون رانده شدن بیش از یک میلیون نفر آنها از سرزمین اجدادی شان گردید. آنها تا مدت ها چشم به اقدامات دولتهای عرب و سازمان ملل متحد برای احقاق حقوق خود دوخته بودند و زندگی سختی را در اردوگاههایی که بسرعت در کشورهای عرب تدارک دیده شده بود، می گذراندند. سالها با نام آواره و مسئله اشغال میهنشان تحت عنوان مسئله آوارگان در مجامع بین المللی مطرح بودند اما

از اوایل سال ۱۹۶۵ خلق فلسطین که دیگر از شیوههای دیپلماتیک صرف طرفی نبسته و از دولتهای عربی نیز برای گرفتن حق خویش مایوس شده بود، بپا خاسته و با تشکل و توسل به مبارزه مسلحانه، قدم در راه جدیدی از مبارزه نهاد. این مبارزه تا کنون توانسته است هویت سیاسی

در اردن در این مورد نمونه است. دیگر اینکه دشمن، یعنی صهیونیسم و دولت اشغالی دارای نزدیکترین پیوند ممکن با دولت ایالات متحده است بطوری که اسرائیل بدون کمک امریکا نمی تواند روی پای خود بایستد. از طرف دیگر دولت امریکا نیز

خلق برای آزادی فلسطین در مصاحبه ای بعد از شرح سیاستهای صهیونیستها می گوید: این سیاستهای مستعمراتی نه تنها با منافع طبقه کارگر بلکه همچنین با منافع دهقانان خرده بورژوازی، متخصصین و غیره و حتی بخشهایی



در فلسطین، هر خانه، اداره، مدرسه و هر گجای نقطه این خاک، سنگری است برای مبارزه. عکس، رزمندگان جوان را در حال آموختن اسلحه نشان می دهد که آتش گلوله های آن قلب محتضر امپریالیسم امریکا را نشانه گرفته است.

و پذیرش جهانی را برای این خلق رزمنده تامین کند مهمتر اینکه امید آنها را به پیروزی اجتناب ناپذیرشان نه بر پایه ای واهی بلکه بر اساس واقعیات موجود و ارزیابی نیروهای خودی و دشمن و نیروهای ذخیره هر کدام افزایش داده است. مبارزان فلسطینی بر اساس خصایل عام و مشترک با دیگر جنبشهای آزادیبخش از تجارب آنها درسهای زیادی آموخته اند. با اینهمه خصوصیات استثنائی مبارزه خلق قهرمان فلسطین را از دیگر جنبشهای رها بخش ممتاز می کند. اول اینکه این خلق عمدتاً نه در سرزمین مادری بلکه عموماً در خارج از میهن خود بسر می برند. این امر پیوند بسیار نزدیک و ضروری را میان جنبش فلسطین و نیروهای مترقی کشورهای میزبان ایجاد می کند بطوری که پیروزی مردم فلسطین با امر انقلاب در این کشورها به هم گره خورده است. کشتار مبارزان

عمده ترین اهرم اعمال قدرت سیاسی - نظامی و اقتصادی خود را در منطقه در وجود اسرائیل می بیند. بنابراین پیروزی خلق فلسطین ضربه مهلکی بر امپریالیسم امریکا و بطور کلی سیستم امپریالیستی جهانی خواهد بود و یازهم به همین دلیل است که مبارزان فلسطینی باید انتظار مقاومتی طولانی از جانب دشمن را داشته باشند، مقاومتی که سرانجام با نابودی اسرائیل و احتضار امپریالیسم روبرو خواهد شد.

از بورژوازی ملی، به ویژه در مناطق اشغالی، تضادی آشتی ناپذیر دارد این است پایه عینی برای اتحاد وسیع طبقاتی اتحادی برای مقابله با دشمن در شکل جنبه متحد ملی که شامل تمامی احزاب و سازمانهای نماینده این طبقات، نیروهای گوناگون ملی و سازمانهای خلقی (اتحادیه های زنان، دانش آموزان، دهقانان و کارگران) می شود. اما جنبه خلق برای آزادی فلسطین به هیچوجه بر این عقیده نیست که سازمانها و احزاب گوناگون اختلافات خود را در وجود جنبه خلق ندیده بگیرند و مرزهای طبقاتی را مخدوش سازند. جرج حبش چهار خصوصیت را برای این جنبه ضروری می داند: اول اینکه استقلال ایدئولوژیکی، سیاسی و تشکیلاتی هر سازمان و از جمله حزب طبقه کارگر در چارچوب

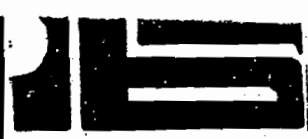
جنبه برقرار باشد. دوم اینکه برنامه مشترک میبایست آنچنان برنامه میهن پرستانه ای باشد که هیچگونه راه گریزی برای بورژوازی در آن وجود نداشته باشد که امکان دهد این طبقه با سازش طرحهای ساخته و پرداخته امپریالیسم، انقلاب را به نابودی بکشاند. سوم آنکه حزب طبقه کارگر مبارزه ای اصولی را در داخل جنبه به منظور بسط و تکامل برنامه مشترک به کار بندد. و بالاخره خصوصیت چهارم اعمال اصول دمکراتیک در روابط بین نیروهای گوناگون موجود در جنبه است.

جنبه خلق برای آزادی فلسطین شرط پیروزی بر دشمن را جنگ دراز مدت توده ای می داند. جنگی که توسط جنبه خلق سازماندهی و رهبری می شود. اما در مورد رهبری حزب طبقه کارگر در جنبه خلق معتقد است که این هدف استراتژیکی است که برای رسیدن به آن باید مبارزه کرد. اما این امر به هیچوجه از اهمیت چنین جنبه ای جتی قبل از تامین حزب پیشاهنگ در آن نمی گاهد.

امپریالیسم و صهیونیسم همواره تلاش می کنند تا نیروهای گوناگون مقاومت را از یکدیگر پراکنده سازند. اما طبقه کارگر موظف است حداکثر تلاش را برای بسیج هرچه بیشتر مردم فلسطین و تامین بالاترین سطح وحدت ممکن در بین آنان بنماید. حتی در زمانی که هنوز بورژوازی نقش مسلط را در انقلاب به عهده دارد.

خلق فلسطین با پیروزی نهایی هنوز راه درازی در پیش دارد. اما از هم اکنون نشانه هایی از شکست دشمن به چشم می خورد. اردوگاه امپریالیسم با بحرانهای اقتصادی مواجه است و دولت صهیونیستی اسرائیل هم بعنوان جزئی از این سیستم از عوارض این بحران در امان نیست. اما قابل توجه این است که شدت بحران در اسرائیل به مراتب بیشتر است. تورم در اوایل سال جاری به حدود ۱۰۰٪ رسیده. اعتصابات در کشور افزایش می یابد و ارزش پوند اسرائیلی به سطحی که تاکنون سابقه نداشته است تنزل کرده است. بقیه در صفحه ۱۴

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم امریکا



بقیماز صفحه ۱۱

گرایشات آنارشستی و...

گروگان گرفتند... این بزرگترین مبارزه کارگران کارخانه مینو در طی بیست سال عمر کارخانه بود... چهارشنبه ۱ اسفند ۵۸ خبر رسیده بود که چند تن از عوامل کارفرما... شروع به توطئه نموده و می خواهند گارمندان را به اعتصاب وادار کنند و جریانی مثل جریان خرمدره درست کنند. بلافاصله از طرف دفتر هماهنگی حکم بازداشت آنها صادر شد... در این روز انتظامات منظم تر و عالی تر از روزهای قبل بود. از طرف خود کارگران آکس گشیک تعیین شد. و به نوبت هر ۶ ساعت به ۶ ساعت پست ها تعویض می شد. در ضمن از طرف دفتر هماهنگی اسم شب تعیین شد و اسم به کارگرنی که در شب گشت می دادند یاد داده شد تا افراد غریبه و غیر مسئول شناسائی گردند. همچنین در پست های حساس مثل پمپ بنزین، موتورخانه، افراد بیشتر و هوشیارتری به نگهبانی گماشته شدند. تمام پست ها و تابلوهای برق کاملا محافظت می شد... در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود... یکشنبه ۱۲/۵ کارگران آن روز چوب و لاستیک آماده کرده بودند تا در مقابل گاز اشک آور و نبرد تن به تن آماده باشند. آنروز کارگران بنزین، شیشه و روغن آماده کرده بودند، آنروز کارگران کوکتل مولوتف درست کرده بودند تا در صورت حمله مقابله کنند! آری آنروز سطح بالای مبارزات کارگران ایران که بطور خودبخودی دست به مقاومت مسلحانه می زنند به نمایش گذاشته شد.

(تاکیدات از خودنشریه پیکار است) به این می گویند تبلیغ سوسیال دموکراسی ناب! گوئی "پیکار" می خواهد تلافی عدم حضورش در قیام را در آورد. اگر در روزهای قیام اکونومیس ناب، پرچم پیکار بود اکنون آنارشیزم ناب پرچم رزم سازمان پیکار است! آنگاه که توده های مردم در کوچه و خیابان ها کوکتل مولوتف می ساختند او سرگرم چانه زنی بر سر اضافه حقوق بود و حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف برانگنده اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه دار متشکل کند و به تدارک بپردازد "پیکار" بی تابانه انفجار فشفشه های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پرولتاریا می نامد و کودکانه اعلام می دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود...!" "پیکار" تنها ناتوانی عظیم خود را درک قانونمند مبارزه توده ها به نمایش می گذارد و از گسترش و چگونگی گذار مسالمت آمیز مبارزات توده ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی داند و همواره آماده است که قهر پیشرس و عصیبت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده ای بنشاند. مواضع "پیکار" در جریان تهاجم به دانشگاه ها گواه دیگری بر این حقیقت است. "پیکار" تنها ماجراجویی انقلابی روشنفکران خرده بورژوا و آنارشستی را که بدان مبتلا است با روشنی به نمایش می گذارد و آن را اثبات می کند.

صفحات ۵ و ۶ "کارگر به پیش" شماره ۲

توطئه اخراج کارگران و ضرورت اتحاد کارگران رسمی و پیمانی در مقابل آن

کارگران پیمانی در چنین شرایطی موفق شدند با طرح خواستهائی از قبیل:

- ۱- استخدام رسمی
- ۲- سود ویژه
- ۳- عیدی
- ۴- پرداخت حقوق

روزهای تعطیلی و... به برخی از این خواستها برسند.

ولی پس از عید که کارگران به کار بازگشتند و جو عمومی اعتراضات فروکش کرد، مدیرعامل توانست (با اتکای قانون کار) طرح توطئه جدیدی را بریزد. او شروع به اخراج کارگران پیمانی نموده و روزانه ۲۰ تن از آنان را اخراج می نمود.

پس از چندروز بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران را اخراج کرد و در مورد بقیه کارگران پیمانی هم قرار شد که قرارداد آنها فقط از فروردین ۵۹ به بعد به حساب آورده شود و هر ماه هم گردد تا بدین ترتیب دست سرمایه دار برای اخراج بقیه کارگران و پایمال کردن حقوق و مزایایشان باز باشد و بطور کلی مسئله رسمی شدن آنها را از طریق تمدید قرارداد کار بکلی منقذ سازد.

و این تنها در چارچوب قانون کار و آئین نامه های آریامهری امکان پذیر است. قانون کاری که قانون کارفرماست و از حقوق کارفرما و سرمایه دار علیه کارگران حمایت می کند. کارگران پیمانی تنها در اتحاد با کارگران رسمی و با اقدامات اعتراضی هماهنگ و یکپارچه با آنان می توانند کارفرما را به قبول حقوق خویش وادار سازند و از آن مهم تر در چارچوب چنین اتحادی است که قادر خواهد

قانون کار را...

تبعیض آمیز) به منظور مقاومت در برابر اخراج بخشی از کارگران. ۲- برخورد کلی و اصولی با آن که در چارچوب تقویت این تشکل و هماهنگی آگاهانه با دیگر تشکیلات کارگری عملی می شود و چیزی مهم تر از مبارزه با اخراج کارگران این یا آن کارخانه را در خود دارد، یعنی برخورد با کلیت قانون کار و تلاش در جهت تدوین قوانین کارگری به وسیله نمایندگان واقعی و آگاه این تشکل ها.

در اینجا ما به گزارش مشخص یکی از اخراجهای دسته جمعی اخیر می پردازیم:

در کارخانه شیشه قزوین در حدود ۱۰۰۰ نفر کار می کنند. از اوائل سال اردیبهشت سال قبل، حدود ۳۰۰ کارگر پیمانی مشغول به کار شدند. مدیرعامل کارخانه (ایران طلب) با اطلاق موقت و روزمزد بودن (پیمانی بودن) می خواست از یکطرف هروقت که اراده کرد بتواند کارگران را اخراج کند و از طرفی حقوق و مزایای کارگران رسمی را به آنان نپردازد. او زیر چتر حمایتی قانون کار ضد کارگری و به ویژه ماده ۳۳ این اقدامات ضد کارگری را انجام می داد. کارگران پیمانی به واسطه پایگاه روستایشان و به ویژه موقتی بودنشان، نتوانستند به اتحاد و تشکلی پایدار (در برابر این اجحافات کارفرما و قانون کار) دست یابند و کارفرما نیز متقابلا با اخراج های پیاپی به این عدم تشکل کارگران دامن می زد تا اینکه در اسفند ماه گذشته به دنبال اعتراضات کارگران رسمی به نحوه پرداخت سود و عیدی و... زمینه مناسبی فراهم شد تا کارگران پیمانی هم بتوانند بطور یکپارچه حرکت کرده و از میان خود ۵ تن را به نمایندگی برگزیدند

مدتی است که مسئله اخراج کارگران (عمدتا کارگران پیمانی) رو به افزایش گذاشته است. این امر از یک طرف مستقیما به گسترش دامنه بیکاری انجامیده و از طرف دیگر پابهای افزایش هزینه زندگی و گرانی و کمیابی کالاهای مورد نیاز عامه مردم، دورنمای تیره ای را در زندگی توده کارگران بیکار ترسیم می نماید. اخراج کارگران پیمانی عمده ناشی از دو مسئله است:

۱- توطئه طبقه سرمایه دار و عواملش در کار تولید و اداره کارخانه ها، با بهره برداری از قوانین ضد کارگری موجود (که میراث دوره آریامهری است)

۲- ضعف تشکل و آگاهی کارگران (به ویژه کارگران موقت) در امر مبارزه با سرمایه داران و قوانین ضد کارگری حامی آنها. حاکمیت قوانین ضد کارگری موجود و به ویژه قانون کار مشخصا دست کارفرما را باز می گذارد تا با اتکای به آن بتواند کارگران را به آسانی اخراج نماید. این "حقی" که قانون کار و دولت به سرمایه دار می دهند به نحو موثری دامنه اخراج کارگران را گسترش می دهد و کارگران را گروه گروه به صفوف میلیونی بیکاران می افزاید. با توجه به این مسئله، چگونگی برخورد کارگران نیز در مقابل اخراج می تواند عمده دو جنبه داشته باشد:

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاه ها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار و دیگر قوانین تفرقه افکن و

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

نامه یکی از هواداران

از عشق و فداکاری زحمتکشان نیرو بگیریم

آنچه که در زیر می آید، گوشه‌هایی از خاطرات زحمتکشانی است که با عشق و ایمانی تزلزل ناپذیر به ره‌های زحمتکشان از استثمار و ستم طبقاتی کار و مبارزه می‌کنند و با ایثاری آگاهانه و ستایش انگیز راه مبارزه برای زندگی نوین را در پیش گرفته‌اند. آنچه که می‌خوانید، نوشته‌ای است که یکی از رفقای هوادار برایمان فرستاده است.

"رفیق دستفروشی دارم که مردیست مسن، سرک و گرم روزگار چشیده و آبدیده حوادث، که رنج و ستم سرمایه‌داری از چروکهای چهره شکسته و مهربانش آشکار است. زن و بچه‌اش را در ده گذاشته و برای تهیه لقمه نانی در کرج دستفروشی می‌کند. هر روز که به اندازه کافی فروش داشت، آن روز خنده از چهره خسته‌اش محو نمی‌شود ولی روزی که موفق نمی‌شود حتی خرجی روزانه خودش را نیز درآورد، اندوهگین و کم حوصله می‌شود و با کسی حرف نمی‌زند و وقتی هم که حرف بزند اول و آخر نظام سرمایه‌داری را به باد ناسزا می‌گیرد. به سراغش می‌روم، چون می‌بینم مشتری دارد، پشت سرش می‌ایستم تا مانع کارش نشوم. به حرفهایشان گوش می‌دهم و مشتری را ورنه‌انداز می‌کنم، می‌بینم یکی از بازاری‌های معتبر است که چندین مغازه دارد. به رفیق دستفروش ما پیشنهاد می‌کند که یکی از مغازه‌هایش را اجاره کند منتهی روزانه اجاره‌اش را بپردازد. رفیق دستفروشم می‌پرسد: "مغازه‌ها کجاست؟" بازاری می‌گوید: "یکی در خیابان قزوین است که اجاره‌اش می‌شود روزی ۸۰۰ تومان، یکی هم میدان فوزیه است روزی ۱۳ تومان!"

دستی روی شانه‌اش می‌زنم و سلام می‌کنم. به آرامی برمی‌گردد و یکمرتبه با خوشحالی مرا در آغوش می‌گیرد. شروع می‌کند به درد دل: "خوب شد آمدی، قلبم داشت می‌ترکید. این حاجی را دیدی؟" گفتم: "بله، همه صحبت‌هایتان را هم شنیدم" گفت: "داشتم حساب می‌کردم که این آدم روزانه چقدر عایدی دارد، فقط از همین سه دستگاه که حساب کنیم یعنی توی ۷۰ متر زمین ۲۵۰۰ تومان درآمد مفت دارد تازه هنوز این از اون کله گنده‌هاش نیست. حالا ببین سرمایه‌دارهای کله گنده دیگر چه زندگی ای دارند و بعد با زندگی ما مقایسه‌اش کن که هر روز باید نگران نان شب‌مان باشیم این وضع تا کی باید دوام بیاورد؟ رفیق کارگری دارم که همیشه به من می‌گوید: "این وضع زیاد دوام نمی‌آورد چون مردم دارند راه مبارزه کردن را یاد می‌گیرند، سرمایه‌داری کلکش کنده است آن وقت اوضاع سر و سامان می‌گیرد." بعد رفیق دستفروش چهره‌اش باز می‌شود و با امید و اشتیاق به من می‌نگرد و من نیز تأیید می‌کنم که بله همانطور می‌شود که رفیق کارگرم می‌گوید. بعد مرا کنار دستش می‌نشاند تا از این رفیق بیشتر برآیم صحبت کند. او تعریف می‌کند: "این رفیق که سالهای سال در کوره پز-خانه‌ها، کارخانه‌ها و ... کار کرده بود و در همین اواخر نیز کارگر یکی از کارخانه‌های تبریز بود. به شدت به سازمان فدائی علاقمند است و عشق می‌ورزد و از آن بیشتر از نظام سرمایه‌داری نفرت دارد. این رفیق من بخاطر فعالیت‌های زیادش و اینکه در کارخانه در مقابل زورگویی‌های کارفرما مقاومت می‌کرد، او را از کارخانه اخراج کردند. او با جدیت توانست حق اخراج خودش را از اداره کار بگیرد و در مدت بیکاری زندگی‌اش را از همین پولی که گرفته بود بگذراند. رفیقم عادت داشت همیشه یک مقدار از درآمدش

را خالا هرچقدر کم یا زیاد به سازمان فدائی بدهد. روزی به زنش گفته بود: سازمان حتی بیشتر از من و تو به این پولها احتیاج دارد چون در راه سعادت ما و فرزندانمان مبارزه می‌کند. آخرین بار که او را دیدم، مشغول دستفروشی بود. او به من گفت: "ما زحمتکشان به سازمان مدیونیم. و اضافه کرد: "من هرچه بفروشم خرج روزانه خودم و زن و بچه‌هایم را برمی‌دارم و بقیه را به سازمان می‌دهم. علاوه برآن به محله‌های فقیر نشین می‌روم و مردم را به راه فدائیان خلق آشنا می‌کنم از آرمان کارگران دفاع می‌کنم رفیق دستفروش من در حالیکه قطره‌ای اشک در چشمش نشسته بود، لبخند تلخی زد و گفت: "راستی من امروز نتوانستم چیزی بفروشم" ساکت شد و به فکر فرو رفت. یادم آمد که او چند روز پیش برای دیدن زن و بچه‌اش به تبریز رفته بود. از حال آنها پرسیدم، گفت: "زنم مریض است پول دوا و دکتر کم داشتم و برگشتم چند روزی شلاقی کار کنم و بعد بروم تبریز، بمرمش دکتر ولی انگار همه درها به رویمان بسته است" و باز ساکت شد. غم و درد چهره مهربانش را پوشانده بود. به من نگاه کرد و چون ناراحتی مرادید شروع به خندیدن کرد تا به من دلداری داده باشد ولی اندوه و درد را در خنده‌اش نیز می‌دیدم هوا تاریک شده بود. با کمک یکدیگر بساطش را جمع کردیم. در حین جمع‌آوری وسایل گفت: "می‌خواهم از این به بعد من هم هرچه فروختم سهمی از آن را برای سازمان بفرستم امید و آینده ما همین است." بعد رو کرد به من و گفت: "تو میتوانی برایشان ببری؟" حالتی از ناثر، شور و شرمساری در من پدید آمد و سخت منقلبم کردم. بطرف خانه به راه افتادم. عرق شرم بر پیشانی‌ام نشسته بود. خود را در مقایسه با آنها ناچیز می‌دیدم. توده مردم آموزگاران کبیری هستند.

بیشرفت جنبش مقاومت فلسطین اثرات تشدید کننده‌ای در بحران برجای می‌گذارد. دولت صهیونیستی اسرائیل برای مقابله با جنبش مقاومت فلسطین و پیشبرد سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه خود سالیانه میلیاردها دلار صرف خرید سلاح‌های پیشرفته می‌کند. از طرف دیگر اعتباراتی که از کشورهای امپریالیستی برای اجرای برنامه‌های نظامی و مستعمراتی گرفته می‌شود دارای بازدهی مالی نیست و در نتیجه باعث رویهم انباشته شدن قرض و افزایش مشکلات اقتصادی می‌شود. ما اطمینان داریم خلق فلسطین با مبارزات درخشان خود راه خویش را به سوی پیروزی نهایی می‌کشاید و این امر با وجود کارشکنی‌ها و نفاق افکنی‌های جریان‌های ارتجاعی مانند امل که روز بروز ماهیتش برای مردم فلسطین بیشتر آشکار می‌شود ادامه خواهد یافت. آنها در این مبارزه تنها نیستند. تمام نیروهای ضد امپریالیست و صلح‌دوست جهان، کشورهای

سوسیالیستی، جنبش‌های آزادیبخش و دولت‌های آزاد شده از بند امپریالیسم و کارگران و زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری متحدین طبیعی آنها در مبارزه مشترک ضد امپریالیستی‌شان هستند. مردم مپهن ما نیز بار دیگر همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام می‌دارند و پیوندی را که سال‌های سیاه اختناق در ایران زحمتکشان خائن نتوانست آن را قطع کند گرامی می‌دارند. در رژیم گذشته نام بردن از فلسطین نیز جرم بود اما انقلابیون ایرانی جنبش مقاومت فلسطین را از مبارزات انقلابی ایران جدا نمی‌دانستند. آموزش و مبارزه رفقای سازمان ما را سازمان مجاهدین خلق ایران در کارزار فلسطین شاهد این امر است. همبستگی متقابل جنبش انقلابی فلسطین با تمامی مبارزان ضد امپریالیست در جهان این امر را برای خلق فلسطین فراهم آورده است که از تمامی تجربیات و امکانات سیاسی ایدئولوژیکی و مادی بشریت مترقی برخوردار باشد این امر بی‌شک ضامن موفقیت قطعی آنهاست.

قابل توجه رفقا!
با توجه به این که گاهی فاصله زمانی ارسال کمک مالی از جانب شما و تنظیم و چاپ "کد" مبلغ "در" کار" به دو یا سه هفته می‌کشد، در صورت چاپ نشدن "کد" مبلغ" خود بعد از سه هفته در این مورد تذکره دهید.

کمکهای مالی دریافت شده

Table with multiple columns containing names and amounts of financial aid received. The table is organized into several columns with headers like 'نام' (Name) and 'مبلغ' (Amount).

چه کسانی به جای صلح، جنگ...

۲۶ اردیبهشت سنندج

ارتش و سپاه پاسداران وارد شهر شده‌اند. پیشمرگان کرد از شهر خارج شده و پیرامون شهر مستقر شده‌اند. شهر سنندج چهره دیگری به خود گرفته است. اهالی شهر در دستهای سرودخوانان دست به تظاهرات علیه سرکوبگران می‌زنند. در تاریخ ۲۴ اردیبهشت یک ستون ارتش که در تپه "شب بو" مستقر شده بود مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت. جمعا در حدود ۶۰ فروند تانک در شهر و راههای ورودی آن مستقر شده‌اند. باوجود این نظامیان و پاسداران کمتر جرات می‌کنند وارد شهر شوند. آب و برق و تلفن در شهر قطع است. مغازه‌ها تعطیل هستند و مردم شهر به اشکال مختلف مخالفت خود را نسبت به وجود ارتش و پاسداران در شهر نشان می‌دهند. گروه‌های جوان و نوجوانی که دسته‌های سرودخوان تشکیل داده‌اند و در کوچه‌های شهر سرود "توقیب" را فریاد می‌زنند توسط نظامیان و پاسداران دستگیر و مورد آزار قرار می‌گیرند اما سرود جوانان در کوچه‌های سنندج همچنان طنین افکن است.

کرمانشاه

فرمانده لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه به علت امتناع از رفتن به کردستان از کار برکنار شده است.

پیرانشهر

در اثر انفجار مین در راه دوآب بین نرده و پیرانشهر ۴ نفر زخمی و دو نفر زخمی شدند. این ستون نظامی قصد داشت در بالای کوه مستقر شود.

۲۷ اردیبهشت سنندج

ارتش و پاسداران که در سنندج مستقر شده‌اند تلاش می‌کنند نمای ظاهری شهر را عوض کنند. آنها شعارهایی به طرقداری از خود روی دیوارها می‌نویسند. پوستر می‌چسبانند و سلاح‌ها و تانک‌هایشان را برای ایجاد رعب در سطح شهر به نمایش درآوردند. هیچکدام از این اقدامات کوچکترین تأثیری روی روحیه مردم مبارز شهر نمی‌گذارد. بهجای کوچک اشغالگران را دست می‌اندازند، دنبال آنها راه افتاده، علیه سرکوبگران شعار می‌دهند و سرود "توقیب" را می‌خوانند. بازاربان اعلام کردند تا وقتی که دستگیری

افراد و تفتیش خانه‌ها پایان نیابد دست از تعطیل مغازه‌های خود برنخواهند داشت. دو دختر رزمنده اعدام شده‌اند و تعداد جوانان اعدام شده تاکنون به عددی از پزشکان و پرستاران متعدد شهر که به کمک پیشمرگان شتافته بودند دستگیر شده‌اند. پاسداران کودکان هفت - هشت ساله را به صف کرده به آنها کمیوت و شیرینی می‌دهند و به این وسیله از آنها می‌خواهند که جای پیشمرگه‌ای را به آنها نشان دهند، اما این کودکان در روزهای حماسه آفرین پدران، برادران، مادران و خواهران خود، سکوت و رازداری را در مکتب مبارزه آموخته‌اند. آنها به پاسداران پشت می‌کنند و بازی کودکانه خود ادامه می‌دهند. شب‌ها با وجود حکومت نظامی تیراندازی در شهر به شدت صورت می‌گیرد. بیشتر درگیری‌ها به خارج از شهر منتقل شده است و از فرودگاه سنندج تا نزدیک کامیاران حدود "توانکش" جاده‌ها در اختیار پیشمرگان است. در جاده‌های دیگر که توسط ارتش و پاسداران کنترل می‌شوند دستگیری اهالی شهر ادامه دارد. در طی سه روز اخیر مردم سنندج تظاهرات بزرگی در محلات مختلف شهر به راه‌انداختند. آنها طی شعارهایی اعتراض خود را به ورود ارتش به شهر نشان دادند، حکومت نظامی را محکوم و از پیشمرگان شهید تجلیل به عمل آوردند. به این ترتیب مقاومت و مبارزه مردم در اشکال سیاسی خود در شهر جریان دارد. خیلی از مردم حتی از پذیرفتن مواد غذایی کمکی امتناع می‌کنند. پیرزنی در محله "قطارچیان" ضمن خودداری از گرفتن مواد غذایی، شتی خاک از زمین برداشته و می‌خورد، پیرزن دلور با صدای بلند می‌گوید:

من این خاک را می‌خورم اما هرگز از برنج و روغن شما نخواهم خورد. در نماز جمعهای که به امامت یک روحانی که از قم آمده است برگزار شد کمتر از ۱۰۰ نفر از شهری که ۱۲۰ هزار نفر جمعیت دارد شرکت کردند. شب گذشته برای دومین بار درگیری‌های وسیعی در اطراف فرودگاه سنندج رخ داد که به مدت دو ساعت ادامه داشت.

بازار سنندج

بازار سنندج

بازار سنندج

بازار سنندج

بازار سنندج

بقیه از صفحه ۹

مناطق را گلوله باران کردند. یک فروند هلی‌کوپتر نیز اطراف کوه "ناله شکینه" را به رگبار بسته و چند راکت به اطراف این روستا پرتاب نموده است. این پروازها در طول شب ادامه داشته است.

بانه

بانه

بانه

بانه

بانه

بانه

بانه



خلق مبارز کرد، در کنار سایر خلقهای دلاور ایران برای صلحی عادلانه و ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند تا لحظه‌های عشق و صلح و آزادی را به ارمان آورد.

جنوب تهران

ساکین قریه اسفندیاری را می‌خواهند از خانه‌هایشان بیرون کنند

"ارباب می‌خواهد با پخش مطالب دروغین بین ما و اهالی زحمتکش منطقه تفرقه بیندازد." روستائیان مبارز قریه "اسفندیاری" واقع در جنوب تهران سالهاست که با ظلم و ستم فتودال‌ها مبارزه می‌کنند طی سالهای اخیر اکثریت زمین‌های این منطقه توسط اربابها به تدریج قطعه‌قطعه شده و عنوان زمین مسکونی به فروش رسیده است. فتودال‌ها که به این ترتیب می‌خواهند روستائیان را از زمین‌هایشان بیرون کنند. اخیرا دست به حمله جدیدی زده‌اند و با انتشار مطالبی سراپا دروغ در مطبوعات از قبیل اینکه روستائیان مخالف ایجاد پارک برای صاحبان خانه‌های مسکونی هستند و با عده‌ای از خارج منصوب شده‌اند و زمین‌ها را تصرف کرده‌اند سعی در تفرقه افکنی بین زحمتکشان روستا و ساکنین منطقه دارند. آنها به این ترتیب می‌خواهند جلوی گسترش مبارزات روستائیان برای مصاحبه زمین‌های خود را بگیرند. کشاورزان مبارز "قریه" در حالی که با هوشیاری با این اعمال تفرقه‌افکنانه زمینداران بزرگ مبارزه می‌کنند و همچنان مصممند که زمین‌های خود را مصادره‌کنند اعتراض خود را به مطالبی که در مورد مبارزات آنها در بعضی از مطبوعات، به دروغ منعقد شده است، اعلام داشته‌اند.

بازار سنندج

بازار سنندج

بازار سنندج

توضیح

در "کار" ویژه کردستان شماره ۳ خبری نقل شده بود تحت نام "اعدام دو خلبان در اصفهان" در تاریخ ۹ اردیبهشت چنین اعدای صورت نگرفته‌است و بدینوسیله خبر تصحیح می‌شود.

مبارزات روستائیان زحمتکش منطقه خرقان (ساره روستای ویدر)

زحمتکشان روستای "ویدر" همانند اکثر روستائیان میهنمان سالهاست که با زورگویی و ستم زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ روبرو هستند. تمام ناراحتی‌ها و کینه‌های که در گذشته وجود داشت و روستائیان به‌خاطر از بین بردن آنها علیه رژیم سابق به مبارزه پرداختند، امروز هم بر دوش اهالی این روستا سنگینی می‌کند. مبارزه مردم ویدر علیه زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران در سال ۵۶ - ۵۵ دامنه بسیار گسترده‌ای پیدا کرد. آنها به کمک جوانان آگاه روستا، در برابر تجاروت "ایرج خان سیف‌امیرخسینی" که زمینهای زرعی هفتان را غصب می‌کرد، به مقاومت متحد و یکپارچه‌ای دست زدند و علیرغم حملات سرکوبگرانه ژاندارمری و پلیس آریامهری مردانه ایستادند و سرانجام زمین‌های غصب‌شده‌شان را با اراده‌ای انقلابی پس گرفتند پس از قیام همراه با اوج‌گیری مبارزه زحمتکشان روستا در سراسر ایران، اهالی "ویدر" نیز به حرکات انقلابی خود اوج تازه‌ای بخشیدند. آنها معدن روستا را که در تصرف سرمایه‌داری بنام "پورفرزب" بود، به نفع خود مصادره و مورد بهره‌برداری قرار دادند. سرمایه‌دار مزبور که از عوامل رژیم سابق است و امروز زیر قیای اسلام خزیده و جان نماز آب می‌کشد، با مراجعه به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی، نامهای به امضای آقای گنی دریافت می‌کند با این مضمون که اهالی روستا نمی‌بایست مزاحم کار وی شوند. او با استفاده از این نامه و به نصت پاسداران مردم را تهدید می‌کند که در صورت ادامه تصرف معدن آنها را به اتهام خرابکاری به دادگاه انقلاب اسلامی معرفی خواهد کرد. روستائیان بارها به مقامات مسئول مراجعه می‌کنند ولی همه‌جا با حمایت آنان از سرمایه‌دار مزبور فشار کمیته و پاسداران رضایت می‌دهند که در ازای دریافت مبلغ معینی در ماه اداره معدن را مزبور به سرمایه‌دار مزبور بپردازند.



در راه خلق فدائیان و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم

گرامی باد خاطره رفقای شهید اردیبهشت ماه

- علی اکبر جعفری
- کاظم سعادت
- هادی فرجاد
- حسین فاطمی
- شیرین فضیلت کلام
- ناصر شایگان
- مهدی حاتم
- محمود نمازی
- بهروز دهقانی
- مرصیه احمدی اسکویی
- بهروز ارمغانی
- اسماعیل عابدی
- خلیل سلماسی نژاد
- قربان علی زرکاری
- لادن آل آقا
- احمد رضا قنبریور
- زهرا مدیر شانه چی
- فرهاد صدیقی پلشکی
- میترا بلبل صفت
- فرزاد دادگر
- عزت غروی
- جهانگیر باقری پور فریده غروی
- فرهاد صدیقی پلشکی
- محمد رضا قنبریور
- غزت غروی
- جهانگیر باقری پور فریده غروی
- میترا بلبل صفت
- ناصر شایگان
- مهدی حاتم
- محمود نمازی
- بهروز دهقانی
- مرصیه احمدی اسکویی

هر ماه برای سازمان ما، ماه شهادت، ماه مقاومت و ماه فدائگری در راه رهایی خلق است. خاطره رفقای که در سالیان ستم و دیکتاتوری، دلاورانه بیباک شدند و با نثار خون خود آرمان وفاداری و ایثار در راه خلق را آموزش دادند، بدون تردید همیشه ماندنی است. خاطره شهیدای اردیبهشت ماه را گرامی میداریم اسامی فغانی که در اردیبهشت ماه به شهادت رسیده اند:

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام

به مناسبت:
نودمین زادروز رفیق هوشی مین - پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ویتنام سی و پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام و پنجمین سالگرد پیروزی کامل انقلاب در جنوب

رفقا، سلامهای گرم ما را به مناسبت فرا رسیدن سالگرد این روزهای تاریخی که نقاطی درخشان در تاریخ مبارزات حماسی خلق برادر ویتنام علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و در جهت رسیدن به صلح، دموکراسی و سوسیالیسم می باشد بپذیرید.

حزب کمونیست ویتنام به رهبری رفیق هوشی مین با درک عمیق مارکسیسم - لنینیسم و انطباق آن بر شرایط ویتنام و مبارزه با انحرافات گوناگون در جنبش کمونیستی ویتنام و جهان، توانست انقلاب ویتنام را به پیروزی کامل رسانیده، کشور را متحد ساخته، گامهای عظیمی در راه ساختمان سوسیالیسم، دفاع از میهن سوسیالیستی و اجرای وظایف انترناسیونالیستی خویش بردارد.

خلق قهرمان ویتنام امسال در شرایطی سالگرد این روزهای تاریخی را جشن میگیرد که در کشور خود گامهای عظیمی در جهت پیشرفت اجتماعی، برقراری صلح، دموکراسی و ساختمان سوسیالیسم به جلو برداشته است. جمهوری سوسیالیستی ویتنام تحت رهبری حزب پرافتخار کمونیست با برافراشتن پرچم انترناسیونالیسم پرولتاری، سهم عظیم خود را در پیشبرد انقلاب جهانی ایفا نموده است و مورد مباحثات کمونیستهای سراسر جهان می باشد. طبقه کارگر و خلقهای سراسر جهان و منجمله ایران همواره از مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر و مردم ویتنام در مبارزه انقلابی خود الهام گرفته و درسهای آن را در مبارزات خود به کار بستند.

رفقای ویتنامی!
مردم ما اینک از هر سو با تجاوزات و توطئههای امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن روبرو است ما به پیروزی مردم خود بر امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن ایمان داریم. شما بدون تردید خروش مردم ما را که در عین حال صدای همبستگی آنان با خلق قهرمان ویتنام است شنیده اید. ما یک بار دیگر با خرسندی این پیام را برای شما بازگو می کنیم:
"امریکا تو خالیست، ویتنام گواهیست"

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن ابراز همبستگی انترناسیونالیستی خود با جمهوری سوسیالیستی ویتنام موفقیتهای بیشتری را برای خلق قهرمان ویتنام و حزب شما آرزو می نماید.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ - نودمین زادروز رفیق هوشی مین - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اعدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد است: "باید بدانند ماشه را به خاطر چه و به سوی چه کسانی ... بقیه از صفحه ۱"

کرده اند. فرار پرسنل انقلابی ارتش از نقاط مختلف کردستان و خودداری آنان از شرکت در جنگ برادر کشی کردستان هر روز دامنه وسیعتری میگیرد. مبارزات پرسنل انقلابی ارتش، ادامه مبارزاتی است که بر محور استقرار شوراهای سربازان، درجه داران، همافران و افسران جزء به منظور ایجاد یک ارتش مردمی و دارای پیوندهای استوار با زحمتکشان صورت میگیرد.

این مبارزه که در تمام دوران بعد از قیام تاکنون ادامه داشته همواره توسط فرماندهان ارتش و حامیان آنان به اشکال مختلف سرکوب شده و از رشد و اعتلای آن ممانعت به عمل آمده است. اعدام ستون یار سوم بقیه از صفحه ۴

نظامیان سرکوبگر در کردستان فاجعه می آفرینند و بر مبنای ۹ واحد ضریب حقوقی از شورای انقلاب! جایزه می گیرند!!

شورای انقلاب در تعقیب برنامه همجانبه برای سرکوب خلق کرد از آغاز تهاجم به کردستان در فروردین ۵۸ با پرداخت ۹ واحد ضریب حقوقی به نظامیانی که در اکتشاف هم میهنان کرد ما شرکت می کنند، به استخدام مزدور پرداخته است. مبلغ اضافه شده به حقوق این عاملین کشتار خلق، در واقع چیزی نیست جز بخشش انقلاب برای کشتار خود آنان

از حاصل دسترنج کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران اعم از کرد، ترک، ترکمن، بلوچ، عرب و فارس که بدینگونه توسط شورای انقلاب برای کشتار خود آنان

من سند:
جمهوری اسلامی ایران
وزارت دفاع ملی
لایحه قانونی پرداخت فوق العاده روزانه پرسنلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند:
ماده واحده

به هر یک از (افسران، درجه داران و همافران نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران) اعم از کادر ثابت و وظیفه که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند علاوه بر فوق العاده روزانه که به موجب مقررات مربوط به آنان تعلق می گیرد، برای هر روز شرکت در عملیات بر مبنای ۹ واحد ضریب حقوقی بعنوان فوق العاده ماموریت عملیات نظامی پرداخت می گردد.

تبصره ۱- فوق العاده ماموریت عملیات نظامی سرباز وظیفه شرکت کننده در عملیات سنج در این قانون روزانه بر مبنای ۱ ضریب حقوقی خواهد بود.

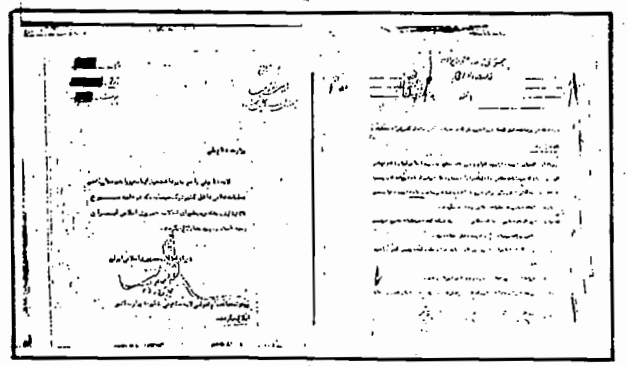
تبصره ۲- از فوق العاده ماموران مشمول این قانون بابت غذا و محل سکونت وجهی کسر نخواهد شد.

تبصره ۳- مقررات این قانون از تاریخ ۵۸/۱/۱ قابل اجراء می باشد.

تبصره ۴- نوع و مدت عملیات نظامی را ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تعیین می نماید.

(خوانان نیست) شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران مورخه ۵۸/۸/۲۹

امضاء: قطب زاده چمران



متن سند:
بسمه تعالی
شورای انقلاب
جمهوری اسلامی ایران

وزارت دفاع ملی
لایحه قانونی راجع به پرداخت فوق العاده پرسنلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند که در جلسه مورخ ۵۸/۸/۲۹ به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است به پیوست ابلاغ می گردد.

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
امضاء: محمد حسین بهشتی
۵۸/۹/۱۴